

فراخوان رئیس جمهوری برای حضور گسترده و باشکوه مردم در راهپیمایی سالروز انقلاب

حضور حماسی ملت ایران در روز ۲۲ بهمن

پاسخ همه توطئه‌های دشمنان است



تکریم آیت‌الله العظمی جواد آملی در انجمن مفاخر

صفحه ۳

رئیس جمهوری عراق در دیدار رئیس کل بانک مرکزی کشورمان: همکاری‌های اقتصادی و بازرگانی دو کشور مورد حمایت رهبری سیاسی عراق است

نخست‌وزیر عراق: در شرایط تحریم به ایران کمک خواهیم کرد و تمام امکانات خود را برای حمایت از ایران به کار می‌بندیم

رئیس کل بانک مرکزی عراق: بدهی‌های ناشی از صادرات گاز و برق به عراق بر اساس برنامه بانک مرکزی ایران پرداخت می‌شود

همتی: صادرکنندگان ایرانی می‌توانند از طریق بانک‌های عراقی فعالیت کنند

به گزارش روابط عمومی بانک مرکزی، در این دیدار آقای برهم صالح ضمن ابراز خرسندی از توافقات بانک‌های مرکزی دو کشور - در سفر دکتر همتی به جمهوری عراق، ادامه مذاکرات در جهت رفع موانع دو کشور مورد تأکید قرار گرفت.

ایماد متعالی شخصیت حضرت زهرا (س)

روزنامه سوغک یاس

حضرت فاطمه(س) در کلام امام خمینی

ویژه نامه «سوغک یاس» ضمیمه اطلاعات امروز

روابط پیچ لئال

فشارها برای تجدید نظر در خروج نظامیان آمریکا از سوریه

۱۲ صفحه

والدی الیمنای

مولانا و انسان معاصر

دکتر سید حبیب نبوی

۶ صفحه

گزارش

پیامدهای دستکاری در طبیعت

۵ صفحه

پایان داشت

نقد و عفو

سید مسعود رضوی

۲ صفحه

آگهی مناقصه عمومی خرید خدمات

صنایع شهید شیرودی در نظر دارد خرید کالای ذیل را مطابق نقشه از طریق مناقصه عمومی اجرا نماید. بدینوسیله از شرکت‌های واجد شرایط جهت شرکت در مناقصه دعوت به عمل می‌آید.

ردیف	شماره مناقصه	نوع کالا	جنس قلمه	مقدار	مشخصات فنی
۱	۲۹۷/۲۷	ساجمه سربی	سرب	۵۰۰ تن	طبق مشخصات و طبق پیوست

محل دریافت اسناد و قبول پیشنهادها: اصفهان - زرین شهر - صنایع دفاع - صنایع شهید شیرودی - معاونت بازرگانی - تلفن تماس: ۰۲۱-۵۲۳۲۲۱۵۷

مهلت ارائه اسناد: حداکثر طرف ۱۰ روز از تاریخ انتشار آگهی جهت دریافت اسناد و تحویل پیشنهادها به همراه رزومه کاری به محل مذکور مراجعه نمایند. بدیهی است شرکت در مناقصه و ارائه پیشنهاد به منزله قبول شروط و تکالیف مقرر در اسناد مناقصه بوده و این صنایع در رد قبول یک یا کلیه پیشنهادها مختار است. ضمناً مشروح شرایط مناقصه در اسناد مربوطه درج شده و هزینه آگهی به عهده برنده مناقصه خواهد بود.

روابط عمومی صنایع شهید شیرودی اصفهان

روزنامه انقلاب اسلامی منتشر شد

فروش در نمایندگی‌های روزنامه اطلاعات سراسر کشور

۲۰۰۰۰ تومان

فروشگاه اینترنتی: [www.ketabettelaat.com](http://www.ketabettelaat.com)

بازگشت همه به سوی اوست

پروردگارا همه از تویم و بسوی تو باز می گردیم با نهایت تأسف و تأثر در گذشت مبار عزیزمان خانم فاطمه میلانی (لطیفی) را به اطلاع می رساند.

حسین و فریال لطیفی

برای اطلاع از جزئیات مراسم به صفحه تحریم رجوع شود.

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

شرکت آلو مینای ایران

ردیف	شماره و تاریخ مناقصه	موضوع مناقصه	شرایط داوطلبین
۱	۶۱۵-۹۷ ۱۷/۱۱/۹۷	اجرای عایق کاری خط B واحد احلال شرکت آلو مینای ایران	الف- در اختیار داشتن امکانات عملیاتی و اجرایی، مدیریتی، توانایی مالی، ماشین آلات، و تجربیات مفید و مکفی در زمینه کار موضوع مناقصه ب- ارائه صلاحیت معتبر از مراجع ذیصلاح در رشته مرتبط با موضوع مناقصه مطابق با شرایط و اسناد مناقصه

از سایت فروشگاه اینترنتی انتشارات اطلاعات بازدید کنید

بایوستن به سایت فروشگاه اینترنتی انتشارات اطلاعات کتاب مورد علاقه خود را تهیه نمایید.

www.ketabettelaat.com

واحد اطلاع رسانی انتشارات اطلاعات

آگهی مناقصه عمومی

دوم مرحله‌ای

شرکت توزیع نیروی برق استان تهران

شرکت توزیع نیروی برق استان تهران در نظر دارد تامین نیروی انسانی در محدوده ستاد و مناطق زیر تحت پوشش شرکت را از طریق برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله ای به شرکت های واجد شرایط واگذار نماید.

شماره مناقصه	موضوع	میزان سپرده شرکت در مناقصه (ریال)
۹۸/۱	تامین نیروی انسانی پیکار	۱۱,۷۳۰,۰۰۰,۰۰۰
۹۸/۲	تامین نیروی انسانی ادار خدماتی	۷,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۹۸/۳	تامین نیروی انسانی حاکم	۱۰,۳۲۰,۰۰۰,۰۰۰

انذار شرکت‌هایی که دارای تأدیه از وزارت تعاون ، کار ، رفاه و امور اجتماعی و دارای تجربه و سابقه کاری می باشند دعوت به عمل می آید. از روز چهارشنبه مورخ ۹۷/۱۱/۱۷ لغایت پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۹۷/۱۱/۲۸ جهت ثبت اسناد به شرح ذیل اقدام نمایند.

فروش اسناد: شرکت های توانمند جهت دریافت اسناد از طریق سایت شرکت توزیع نیروی برق استان تهران به نشانی: [WWW.TVEDCIR.IR](http://WWW.TVEDCIR.IR) اقدام نمایند. تلفن های تماس: ۰۲۱-۸۵۹۱۳۵۰۸۳۳۲ و ۰۲۱-۸۵۹۱۳۵۰۸۳۳۳

تاریخ تحویل (عودت) اسناد: حداکثر تا ساعت ۱۰ صبح روز سه شنبه مورخ ۹۷/۱۱/۱۴ به دبیرخانه مرکزی شرکت توزیع نیروی برق استان تهران به نشانی تهران - میدان شهدا- خیابان ۱۷ تاریخ بازگشایی پاکت‌های اعلای: از ساعت ۱۲ روز سه شنبه مورخ ۹۷/۱۱/۱۴ در سالن جلسات به پیشنهادهای فاقد سپرده، مشروط، مخدوش، تحویل اسناد بعد از انقضای مدت، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

هزینه درج آگهی به عهده شرکت توزیع نیروی برق استان تهران می‌باشد.

سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج است و اطلاعات مناقصه از طریق پایگاه اطلاع رسانی سامانه سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور به نشانی: [WWW.IETS.MPORG.IR/TENDERS.ASPX](http://WWW.IETS.MPORG.IR/TENDERS.ASPX) و پایگاه اطلاع رسانی شرکت توزیع نیروی برق استان تهران به نشانی: [TENDERTAVANIR.ORG.IR](http://TENDERTAVANIR.ORG.IR) در دسترس می باشد.

شرکت توزیع نیروی برق استان تهران

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله ای (نوبت دوم)

شرکت توزیع نیروی برق استان تهران در نظر دارد: از آژانی های خدمات مشترکین در محدوده مناطق برق تحت پوشش شرکت را با توجه به شرایط مندرج در اسناد از طریق مناقصه عمومی دو مرحله ای به شرکت های واجد شرایط واگذار نماید.

شماره مناقصه	نام منطقه	میزان سپرده شرکت در مناقصه (ریال)
۹۸/۴	فیروزکوه و دماوند	۱,۱۰۶,۰۰۰,۰۰۰
۹۸/۵	روانسر	۱,۰۹۴,۰۰۰,۰۰۰
۹۸/۶	رودهن	۵۲۶,۰۰۰,۰۰۰
۹۸/۷	خاوران	۶۴۴,۰۰۰,۰۰۰
۹۸/۸	پیشوا	۶۵۶,۰۰۰,۰۰۰
۹۸/۹	نواستات	۷۳۰,۰۰۰,۰۰۰
۹۸/۱۰	آبکنده	۸۲۰,۰۰۰,۰۰۰
۹۸/۱۱	پردیس	۹۶۵,۰۰۰,۰۰۰
۹۸/۱۲	فرک	۸۹۶,۰۰۰,۰۰۰
۹۸/۱۳	پوشان	۸۰۷,۰۰۰,۰۰۰

انذار شرکت‌هایی که دارای تجربه و سابقه کاری می باشند دعوت به عمل می آید. از روز چهارشنبه مورخ ۹۷/۱۱/۱۷ لغایت پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۹۷/۱۱/۲۸ جهت خرید اسناد به شرح ذیل اقدام نمایند.

فروش اسناد: شرکت های توانمند جهت دریافت اسناد از طریق سایت شرکت توزیع نیروی برق استان تهران به نشانی: [WWW.TVEDCIR.IR](http://WWW.TVEDCIR.IR) اقدام نمایند. تلفن های تماس: ۰۲۱-۸۵۹۱۳۵۰۸۳۳۲ و ۰۲۱-۸۵۹۱۳۵۰۸۳۳۳

تاریخ تحویل (عودت) اسناد: حداکثر تا ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه مورخ ۹۷/۱۱/۱۴ به دبیرخانه مرکزی شرکت توزیع نیروی برق استان تهران به نشانی تهران - میدان شهدا- خیابان ۱۷ شهر شهلی - جنب موزه تحویل نمایند.

تاریخ بازگشایی پاکت های اعلای تا ساعت ۱۲ روز یکشنبه مورخ ۹۷/۱۱/۱۴ در سالن جلسات به شرح اسناد.

نام و نشانی مناقصه گزار: شرکت آلو مینای ایران وابسته به سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران.

مهلت خرید و دریافت اسناد مناقصه: از تاریخ درج آگهی نوبت دوم (مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۱۷) به مدت ۷ روز می باشد.

نشانی محل دریافت اسناد مناقصه: استان خراسان شمالی - شهرستان جاجرم - شرکت آلو مینای ایران - واحد امور حقوقی و قراردادها

در ضمن دریافت اسناد مناقصه از سایت شرکت آلو مینا ([www.iran.Alumina.ir](http://www.iran.Alumina.ir)) نیز امکان پذیر می باشد.

قیمت خرید اسناد: ۱۰,۰۰۰,۰۰۰/ (یک میلیون) ریال است که باید به شماره حساب فرایر ۴۷۲۵/۸۵۸۰۰ نزد بانک تجارت شعبه جاجرم کد ۴۷۲۵ بنام شرکت آلو مینای ایران واریز گردد.

نشانی محل تحویل اسناد: استان خراسان شمالی - شهرستان جاجرم - دبیرخانه امور اداری شرکت آلو مینای ایران.

توضیح اینکه: سایر شرایط، در اسناد مناقصه مشخص گردیده است و داوطلبین می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۵۸-۳۲۶۰۵۳۲۵ تماس حاصل فرمایند.

شناسه آگهی: ۳۷۰۵۱۳

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

شرکت آلو مینای ایران

ردیف	شماره و تاریخ مناقصه	موضوع مناقصه	شرایط داوطلبین
۱	۶۱۵-۹۷ ۱۷/۱۱/۹۷	اجرای عایق کاری خط B واحد احلال شرکت آلو مینای ایران	الف- در اختیار داشتن امکانات عملیاتی و اجرایی، مدیریتی، توانایی مالی، ماشین آلات، و تجربیات مفید و مکفی در زمینه کار موضوع مناقصه ب- ارائه صلاحیت معتبر از مراجع ذیصلاح در رشته مرتبط با موضوع مناقصه مطابق با شرایط و اسناد مناقصه

گوهر و صدف دین

نوشته آیت الله دکتر احمد بهشتی

با ویرایش و مقدمه دکتر سعید بهشتی

قطع وزیری ، ۵۴۶ صفحه ، چاپ دوم

نویسنده در این کتاب با رویکردی نوین به تبیین و تحلیل مفاهیم و اندیشه‌های اسلامی پرداخته و وظایف انسان را در چهار حوزه، طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل نموده است که عبارتند از: وظایف انسان در برابر خدا، وظایف انسان در برابر خود، وظایف انسان در برابر دیگران، و وظایف انسان در برابر جهان هستی. اما با وجود این تبویب و تفکیک وظایف یک شخص می‌رسند و آن وظایفی است که انسان در برابر «هن متعالی» خویش دارد.

به این ترتیب مجموعه‌ای به هم پیوسته و نظامی هماهنگ از وظایف و تکالیف شکل می‌گیرد که خواننده با مطالعه آنها به الگویی منسجم و ساختمان دست می‌یابد.

این کتاب در چهار بخش و شصت و یک فصل تدوین شده است.

معرفی کتاب‌های انتشارات اطلاعات

گوهر و صدف دین

تجارت بهشتی

چاپ دوم

فروشگاه مرکزی: تهران بزرگراه حقانی، روبروی ایستگاه مترو، ساختمان روزنامه اطلاعات، تلفن: ۲۹۹۹۳۶۸۶

فروشگاه شمارهٔ (۱): تهران خیابان انقلاب اسلامی، روبروی دانشگاه تهران، تلفن: ۶۶۶۶۰۷۳۴

نماینده‌گی‌های روزنامه اطلاعات در سراسر کشور، تلفن توزیع و فروش: ۲۹۹۹۳۲۴۲، ۲۹۹۹۳۳۰۶

برای خرید پستی در سراسر کشور با تلفن ۲۹۹۹۳۳۰۶ تماس حاصل فرمایید.

آدرس سایت فروشگاه اینترنتی: [www.ketabettelaat.com](http://www.ketabettelaat.com)

فروشگاه مرکزی: تهران بزرگراه حقانی، روبروی ایستگاه مترو، ساختمان روزنامه اطلاعات، تلفن: ۲۹۹۹۳۶۸۶

فروشگاه شمارهٔ (۱): تهران خیابان انقلاب اسلامی، روبروی دانشگاه تهران، تلفن: ۶۶۶۶۰۷۳۴

نماینده‌گی‌های روزنامه اطلاعات در سراسر کشور، تلفن توزیع و فروش: ۲۹۹۹۳۲۴۲، ۲۹۹۹۳۳۰۶

برای خرید پستی در سراسر کشور با تلفن ۲۹۹۹۳۳۰۶ تماس حاصل فرمایید.

آدرس سایت فروشگاه اینترنتی: [www.ketabettelaat.com](http://www.ketabettelaat.com)

آگهی تجدید مناقصه عمومی برای تامین نیروی انسانی در محدوده مناطق برق تحت پوشش شرکت توزیع نیروی برق استان تهران

شرکت توزیع نیروی برق استان تهران

شرکت توزیع نیروی برق استان تهران در نظر دارد تامین نیروی انسانی در محدوده مناطق برق تحت پوشش شرکت را از طریق برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله ای به شرکت های واجد شرایط واگذار نماید.

شماره مناقصه	نام منطقه	میزان سپرده شرکت در مناقصه (ریال)
۹۸/۴	فیروزکوه و دماوند	۱,۱۰۶,۰۰۰,۰۰۰
۹۸/۵	روانسر	۱,۰۹۴,۰۰۰,۰۰۰
۹۸/۶	رودهن	۵۲۶,۰۰۰,۰۰۰
۹۸/۷	خاوران	۶۴۴,۰۰۰,۰۰۰
۹۸/۸	پیشوا	۶۵۶,۰۰۰,۰۰۰
۹۸/۹	نواستات	۷۳۰,۰۰۰,۰۰۰
۹۸/۱۰	آبکنده	۸۲۰,۰۰۰,۰۰۰
۹۸/۱۱	پردیس	۹۶۵,۰۰۰,۰۰۰
۹۸/۱۲	فرک	۸۹۶,۰۰۰,۰۰۰
۹۸/۱۳	پوشان	۸۰۷,۰۰۰,۰۰۰

انذار شرکت‌هایی که دارای تجربه و سابقه کاری می باشند دعوت به عمل می آید. از روز چهارشنبه مورخ ۹۷/۱۱/۱۷ لغایت پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۹۷/۱۱/۲۸ جهت خرید اسناد به شرح ذیل اقدام نمایند.

فروش اسناد: شرکت های توانمند جهت دریافت اسناد از طریق سایت شرکت توزیع نیروی برق استان تهران به نشانی: [WWW.TVEDCIR.IR](http://WWW.TVEDCIR.IR) اقدام نمایند. تلفن های تماس: ۰۲۱-۸۵۹۱۳۵۰۸۳۳۲ و ۰۲۱-۸۵۹۱۳۵۰۸۳۳۳

تاریخ تحویل (عودت) اسناد: حداکثر تا ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه مورخ ۹۷/۱۱/۱۴ به دبیرخانه مرکزی شرکت توزیع نیروی برق استان تهران به نشانی تهران - میدان شهدا- خیابان ۱۷ شهر شهلی - جنب موزه تحویل نمایند.

تاریخ بازگشایی پاکت های اعلای تا ساعت ۱۲ روز یکشنبه مورخ ۹۷/۱۱/۱۴ در سالن جلسات به شرح اسناد.

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

شرکت آلو مینای ایران

ردیف	شماره و تاریخ مناقصه	موضوع مناقصه	شرایط داوطلبین
۱	۶۱۵-۹۷ ۱۷/۱۱/۹۷	اجرای عایق کاری خط B واحد احلال شرکت آلو مینای ایران	الف- در اختیار داشتن امکانات عملیاتی و اجرایی، مدیریتی، توانایی مالی، ماشین آلات، و تجربیات مفید و مکفی در زمینه کار موضوع مناقصه ب- ارائه صلاحیت معتبر از مراجع ذیصلاح در رشته مرتبط با موضوع مناقصه مطابق با شرایط و اسناد مناقصه

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله ای (نوبت دوم)

شرکت توزیع نیروی برق استان تهران در نظر دارد: از آژانی های خدمات مشترکین در محدوده مناطق برق تحت پوشش شرکت را با توجه به شرایط مندرج در اسناد از طریق مناقصه عمومی دو مرحله ای به شرکت های واجد شرایط واگذار نماید.

شماره مناقصه	نام منطقه	میزان سپرده شرکت در مناقصه (ریال)
۹۸/۴	فیروزکوه و دماوند	۱,۱۰۶,۰۰۰,۰۰۰
۹۸/۵	روانسر	۱,۰۹۴,۰۰۰,۰۰۰
۹۸/۶	رودهن	۵۲۶,۰۰۰,۰۰۰
۹۸/۷	خاوران	۶۴۴,۰۰۰,۰۰۰
۹۸/۸	پیشوا	۶۵۶,۰۰۰,۰۰۰
۹۸/۹	نواستات	۷۳۰,۰۰۰,۰۰۰
۹۸/۱۰	آبکنده	۸۲۰,۰۰۰,۰۰۰
۹۸/۱۱	پردیس	۹۶۵,۰۰۰,۰۰۰
۹۸/۱۲	فرک	۸۹۶,۰۰۰,۰۰۰
۹۸/۱۳	پوشان	۸۰۷,۰۰۰,۰۰۰

انذار شرکت‌هایی که دارای تجربه و سابقه کاری می باشند دعوت به عمل می آید. از روز چهارشنبه مورخ ۹۷/۱۱/۱۷ لغایت پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۹۷/۱۱/۲۸ جهت خرید اسناد به شرح ذیل اقدام نمایند.

فروش اسناد: شرکت های توانمند جهت دریافت اسناد از طریق سایت شرکت توزیع نیروی برق استان تهران به نشانی: [WWW.TVEDCIR.IR](http://WWW.TVEDCIR.IR) اقدام نمایند. تلفن های تماس: ۰۲۱-۸۵۹۱۳۵۰۸۳۳۲ و ۰۲۱-۸۵۹۱۳۵۰۸۳۳۳

تاریخ تحویل (عودت) اسناد: حداکثر تا ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه مورخ ۹۷/۱۱/۱۴ به دبیرخانه مرکزی شرکت توزیع نیروی برق استان تهران به نشانی تهران - میدان شهدا- خیابان ۱۷ شهر شهلی - جنب موزه تحویل نمایند.

تاریخ بازگشایی پاکت های اعلای تا ساعت ۱۲ روز یکشنبه مورخ ۹۷/۱۱/۱۴ در سالن جلسات به شرح اسناد.

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

شرکت آلو مینای ایران

ردیف	شماره و تاریخ مناقصه	موضوع مناقصه	شرایط داوطلبین
۱	۶۱۵-۹۷ ۱۷/۱۱/۹۷	اجرای عایق کاری خط B واحد احلال شرکت آلو مینای ایران	الف- در اختیار داشتن امکانات عملیاتی و اجرایی، مدیریتی، توانایی مالی، ماشین آلات، و تجربیات مفید و مکفی در زمینه کار موضوع مناقصه ب- ارائه صلاحیت معتبر از مراجع ذیصلاح در رشته مرتبط با موضوع مناقصه مطابق با شرایط و اسناد مناقصه











## دستور وزیر نفت برای همکاری با حوزه حمل و نقل ریلی

مدیرعامل شرکت بهینه سازی مصرف سوخت از دستور وزیر نفت بر همکاری دستگاه‌های زیرمجموعه این وزارتخانه با شرکت راه آهن و حوزه حمل و نقل ریلی خبر داد. به گزارش مهر، محسن دلاویز در بازدید از ایستگاه راه‌آهن تهران گفت: اقدامات بسیار خوبی در این ایستگاه انجام شده و نظم و انضباط و رضایت‌مندی موجود در فعالیت‌های راه آهن موجب امیدواری به همکاری فسی پایین صنعت و صنعت ریلی می‌شود.

وی با تأکید بر اینکه این مجموعه تلاش می‌کند تا حاکم کر کمک را به مجموعه راه آهن داشته باشد، اظهار داشت: همکاری میان راه آهن و شرکت بهینه سازی مصرف سوخت بسیار قابل توجه بوده و سقف بالاترین قرارداد ما به راه آهن ۱۰ میلیارد دلار است.مدیرعامل شرکت بهینه سازی مصرف سوخت در مورد پرداخت سرمایه به راه آهن گفت: پرداخت سرمایه به راه آهن شرایطی دارد که در

## ایجاد ۹۳ هزار فرصت شغلی در استان تهران

رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهران با بیان اینکه طبق برنامه اسناد برای ۱۵۰ هزار نفر در استان تهران فرصت شغلی ایجاد می‌شد، گفت: تاکنون ۷۵ درصد یعنی معادل ۹۳ هزار نفر، از پیش‌بینی در نظر گرفته شده در این برنامه محقق شده است. نعمت‌الله افری که گفتگو با مهر با اشاره به این‌که از محل تبصره ۱۸ قانون بودجه سال ۹۷ کل کشور ۳۰ هزار میلیارد تومان تسهیلات برای حوزه‌های جهاد کشاورزی، صنعت و معدن، خدمات و گردشگری تأمین شده است، گفت: پرداخت تسهیلات به این بخش‌ها فرصت خوبی بود که در سال ۹۸ هم مجدداً این هدفگذاری در بودجه تکرار شده است.

به گفته وی، در مسال اینده، ایجاد فرصت شغسی برای ۱۳۰ هزار نفر در استان تهران مدنظر قرار گرفته است.

سرویس اقتصادی - گزارش تلاش‌های بخش شغلی استان تهران با بانکی کشور در آبان گذشته نشان می‌دهد که میزان تقدیگی رشد ۲۱/۱ درصدی، میزان بدهی دولت به سیستم بانکی رشد ۱۷/۴ درصدی و میزان پول هم افزایش ۳۴/۴ درصدی داشته است.

همچنین در هشت ماهه اول اسامیل سال درآمدهای مالیاتی دولت به ۶۷۱/۱ هزار میلیارد ریال و میزان بدهی‌های خارجی کشور به رقم ۱۰ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار رسید. به گزارش اداره‌های عمومی بانک مرکزی، در آبان اسامیل میزان درای‌های خارجی سیستم بانکی کشور به رقم ۸۷۸/۵ هزار میلیارد ریال رسید که ۶۳/۳ درصد افزایش سالانه داشته است.

همچنین بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی در آبان گذشته با رشد ۱۷/۵ درصدی به رقم ۲۹۵/۷ هزار میلیارد ریال رسید که از رقم رقم حدود ۲۶۵/۲۷ هزار میلیارد ریال و با رشد ۱۷/۴ درصدی به بدهی دولت و معادل ۳۳۲ هزار میلیارد ریال با رشد ۱۸/۲ درصدی مربوط به بدهی دولت بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

### ایجاد ۹۳ هزار فرصت شغلی در استان تهران

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

بقیه از صفحه اول همکاری‌های اقتصادی و بازرگانی بخش دولتی و خصوصی به کشور را توسط وزارت اقتصاد و این مذاکرات از مورد حمایت رهبری سیاسی عراق دانست. رئیس کل بانک مرکزی ایران همچنین در دیدار با عادل‌المدهدی نخست وزیر عراق توافق‌نامه همکاری بانکی و مبادلات پولی دو کشور را کلید حل مسائل و پیشرفت روابط اقتصادی اعلام کرد.

عبداناصر همتی در این دیدار ضمن تأکید بر اینکه روابط بانکی و مبادلات پولی دو کشور باید با سرعت بیشتری توسعه یابد، گفت: با حمایت و تأکید نخست وزیر عراق و توافقی‌های انجام‌شده بین بانک مرکزی این کشور، مشکلات اخیر در مسیر روابط بانکی و همکاری‌های اقتصادی ایران و عراق پیروزی حلی می‌شود.

نخست وزیر عراق و عراق پیروزی حلی می‌شود. بدیع‌عراق در پیروزی مقابل دماش و تأکید بر متفاوت بودن روابط عراق و پس از گذشت گذشت از راه آهن و بین از گذشت از تلاش برای حل مشکلات و اجرایی شدن توافقی‌های صورت گرفته میان بانک‌های مرزی ایران و عراق حمایت می‌کنم. و از بانک مرکزی عراق خواستگاه مسامعت‌های لازم را انجام دهد.عادل‌المدهدی تأکید کرد: عراق هرگز جوس سیستم تحریم علیه ایران نبوده و نیست و دولت آن کشور موخالف وارد آمدن آسیب و ضرری به ایران است؛ ضمن اینکه در شرایط تحریم به ایران کمک خواهیم کرد و تمام امکانات خود را برای حمایت از ایران بکار می‌بندیم.

وی در پایان با تأکید بر اینکه شرایط ایران برای عراق قابل درک است، گفت: خوشایلیه که ایران در حال گذار از مشکلات است و بسیار خوشحال‌تر خواهیم شد که مشکل عمده تحریم را هم پشت سر بگذارد.

رئیس کل بانک مرکزی ایران که به منظور انجام مذاکرات بانکی به کشور عراق سفر کرده است، همچنین در دیدار با همتی‌عراقی خود ضمن ابراز امیدواری درباره ارتقای سطح روابط بین دو کشور، گفت: کشور عراق بزرگترین شریک تجاری جمهوری اسلامی ایران بوده و لازمه تداوم این ارتباط میان دو کشور، روابط بانکی است.

به گزارش روابط عمومی بانک مرکزی، عبدالناصر همتی تصریح کرد: آمریکا با راه انداختن جنگ اقتصادی

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌های دولتی بوده است.

به بدهی شرکت‌







## اطلاعات

رابطه مولانا و انسان معاصر، از جهات مختلف می تواند مورد توجه باشد. جهت اول از دید من این است که زمانی که از عرفان سخن رانده می شود، در حوزه عرفان و به تبع در حوزه دین؛ آنچه که اصل و اساس و پایه است، مخاطبی است که با او سروکار داریم. در مقوله دین و عرفان، اساس گوش شنوایی است که پیام‌هایی را که از سبوی وحی یا الهام القا می شود، بتواند استماع کند. استمرار وحی، مبتنی بر گوش‌های وحی نبوش است.

گر نبودی گوش‌های وحی گیر

وحی نابردی ز گردون یک بشیر

بر این اساس، زمانی که از عرفان سخن رانده می شود، خواهی نخواهی در بطن و متن عرفان، انسان مدنظر است و اگر انسان و آنچه که انسان از آن درس می گیرد، از این حوزه حذف شود؛ دیگر حرفی برای گفتن وجود نخواهد داشت.

اگر مسا مولانا را یک فقیه و عارف و یک مؤلف و مفسر آیات دینی به حساب می آوریم، باید به این نکته تم توجه داشته باشیم که مولانا یک انسان شناس سترگ ست. کمتر کسی در تاریخ عرفان ما انسان را به اندازه مولانا بررسی کرده است. او زوایا و خفایای وجودی انسان را به بهترین وجه مطلوب در آثار خود، به ویژه در مثنوی، برای ما ثبت کرده است.

تعریف انسان و این که انسان چیست. این که انسان چه نقشی در آفرینش دارد. این که انسان در معرض دیده‌های متفاوت و مختلف است. این که انسان محوریت یافت و این که اساسا همه چیز مبتنی بر حضور و وجود و پذیرش انسان است. اگر انسان را از جهان حذف کنیم، لافل در جایی که ما زیست می‌کنیم که همان کره زمین است، دیگر چیزی برای مطرح شدن و حرفی برای گفتن باقی نمی‌ماند.

ابتدا به ایبائی اشاره می کنیم که هم تعریف مولانا را از انسان داشته باشیم و هم موقعیت انسان معاصر را در این میان بسنجیم. این که ما چه درس‌هایی می توانیم بگیریم، یک مطلب است و این که مولانا در فراختای اندیشه خود، دورنمای انسان را چگونه می نگریسته است و جوامع بشری را در دوران بحران و تحول چگونه تلقی می کرده، مطلب دیگری است.

در این زمینه باید به چند حکایت پرداخته شود. این حکایات می تواند موقعیت انسان امروز را هم برای ما به نمایش بگذارد. شما می دانید که در فلسفه، تعاریف زیادی از انسان وجود دارد. اما برترین آنها این است که انسان، حیوانی متفکر است. هرچند که مولانا با این عنوان از انسان یاد کرده است، اما تعریف دیگری هم از انسان دارد که شاید ما کمتر به آن پرداخته‌ایم. آنجا که مولانا می گوید:

ای برادر تو همین اندیشه‌ای

ما یقی خود استخوان و ریشه‌ای

این نوعی تدامی همان معانی دیرینه فلسفی است. اما مولانا برتر از آن حرفی دارد. من در دو جای مثنوی، تعریف مولانا درباره انسان را یافته ام. در یک جای مثنوی، او از انسان به دیده تعبیر می کند و هرکس که دیدنی ندارد، در این تعبیر مولانسا جایی ندارد و به او انسان اطلاق نمی شود.

آدمی دید است و باقی پوست است

دیده آن دوست آنچه دیده دوست است

چون که دیده دوست نبود کور به

دوست کو باقی نباشد دور به

مشابه همین را در جای دیگر و در دفتر ششم مثنوی هم می بینیم:

آدمی دیدست و باقی گوشت و پوست

هرچه چشمش دیده است آن چیز اوست

در اینکه مولانا می گوید انسان دید است و در جای دیگر هم می گوید که عالم مبتنی بر نگاه انسان است، شاید غرض این باشد که اصل انسان است و آنچه که او می‌بیند. بیرون از دیده انسان، هرچه که باشد، به نوعی از حقیقت و از متن و بطن بیرون است و هرچه که از آنها دور شویم، حواشی و به نوعی شاخ و برگ‌ها ما را از اصل و حقیقت دور می کند. بر این مبناست که شما ممکن است از طریق گوش، بسیاری چیزها را بشنوید،اما اینها اصالت ندارند. شاید شما نتوانید از طریق گوش، جنتی بیابید یا این که شنیده را به صورت رسمی به عنوان اصل قلمداد کنید و این در حوزه دید است.

روایتی از حضرت امیرالمؤمنین وجود دارد که در مورد حق و باطل از ایشان پرسیده‌اند. ایشان در جواب فرمودند: بین حق و باطل، چهار انگشت بیشتر فاصله نیست. اشاره نمودند که بین گوش و چشم، چهار انگشت فاصله است. آنچه را که شنیدی حق نیست، بلکه آنچه را که دیدی حق است. آنچه را که شنیدی، چندان مورد توجه قرار نده؛ مگر این که از مرکزی شنیده باشی که آن اصل دیده باشد. این تعبیر به نظم تعبیر جالبی است که انسان دیده است. این تعریف، تعریفی نو است. همچنان که مولانا آثار نو بسیار دارد.

اما در حوزه ماهیت وجود انسانی، تعبیری که مولانا هر همدانی و به تبع همین اعتبار) – هنر – هر شاعری دوست دارد اثری بیافریند و به قول معروف خلاقیت داشته باشد. شعر می‌گوید که از آثار و سروده‌های دیگران متمایز باشد.

گاه شاعران جوان می‌گویند چه کنیم که سبک مخصوص

خودمان را داشته باشیم. آیدمی نامگذاری شعرها و سروده‌های جدید

یا سبک و زرد و ناب و سفیدی‌اش را بخوان و طبن و غیر ذلک از همین رهگذر توسط خود شاعران و یا طرفداران شان که اغلب دوستانا شان هستند، به‌وجود آمد.

همین واژه «سبک» که در مورد پدیده‌ها و آثار هنری از قبیل: شعر، داستان، نقاشی، مجسمه‌سازی، موسیقی و غیره به کار می‌رود؛ دارای الهامات و سؤالات‌برانگیزی‌هایی است که تعیین مشخصات و حدود و ثغور آن تا حدی مشکل به نظر می‌رسد.

بوفن، عالم و طبیعی‌دان دوران رنسانس، تعریف نسبتاً قابل توجه و درخور نقلی از این واژه مهم و کلیدی هنر و ادب ارائه کرده: «سبک جز نظم و تحرکی که مردم در اندیشه‌های خود پدید آورده‌اند، چیز دیگری نیست.» باید بر سخن این دانشمند افزود که سبک، تفاوتی است یا تغییری است که در شکل و بطور، در حال و قال و درون و بیرون شناخته و مانوس آثار هنری و طبعاً ادبیات منظوم و منثور، به نسبت آثار دیگر یا دیگران به‌وجود می آید.

شاید نقل این گفته از استاد محمدرضا شفیعی کدکنی از کتاب«شاعر آیینه‌های ایشان بی‌مورد نباشد که:«هیچ نوشته‌ای نیست که سبک نداشته باشد و هیچ سبکی را جز از طریق مقایسه «نرم» و درجه انحراف آن از نرم نمی توان تشخیص داد و در یک کلام، سبک یعنی انحراف از نرم…» کلام استاد کاملاً حجت است، اما شاید بتوان گفت(که در این نوشتار اختصاصاً سبک ادبی منظور است):جداشدن از نرم و شیوۀ نوشتن و سرایش مانوس و مألوف و سپس در فضاها یا خلق فضاهای متفاوت و استخدام واژگان و عبارات و ایجاد هندسهٔ متفاوت کلام می تواند نشان‌دهندهٔ سبک باشد. اصطلاح «شیوه» یا «طرز» یا «لحن» که در سروده‌های شاعران پیشین ما به کار رفته، شعر بر نوعی پدیداری سبک است(یا آنچه را که ما امروز سبک می‌نامیم و به مقولهٔ جدید نقد و ادبی نیز مرتبط است):

استاد سخن سعدی است نزد همه کس اما

دارد سخن حافظ «طرز» سخن خواجه

ایمن واژهٔ «طرز» در حقیقت همان نوآفرینی‌ها، ویژگی‌ها، آشنادایی‌ها، هنجارشکلی‌های هنرمندانه و انحراف از نرم مانوس و مألوفی می تواند باشد که شاعر آن را به خود منتسب می‌کند یا مخاطبیش به او انتساب می‌دهند.

وقتی کلیم کاشانی(یا همدانی)می‌گوید:

گر بسطاط سخن امروز کساد است کلیم!

تازه کن شیوه که در چشم خربسدار آید

حرفش از شیوه، در حقیقت همین سبک است و نمونه‌های فراوان

دیگر که این واژگان یعنی: طرز، شیوه، لحن و گاه لهجه در آن به کار

رفته است. وقتی حافظ می‌فرماید:

دلَم از پرده بشد، حافظ خوش لهجه کجاست

تا به سه قسول و غزلش شسور و نوایی بکنم

تنها یک بیت با صیغه و حال و هوای موسیقایی و شور و نوا و

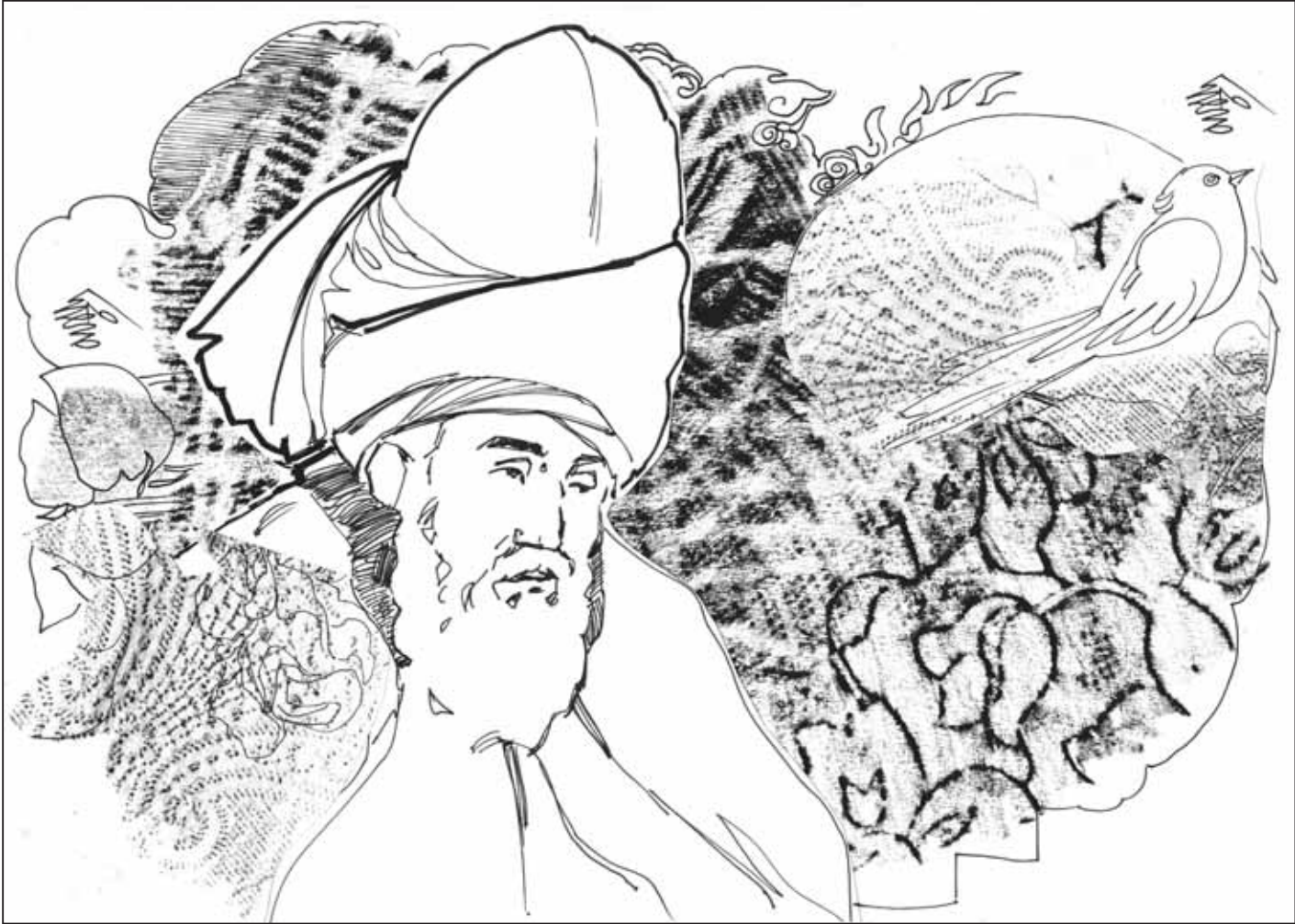


### وادی ادبیات



# مولانا و انسان معاصر

#### دکتر سید حبیب نبوی – بخش اول



ما معمولاً این نکته را لحاظ نمی کنیم. زمانی که یک استاد در مورد موضوعی سخن می گوید، امکان ندارد که بگوید من با هر فردی به اندازه ظرفیت عقلانی اش سخن می گویم. او مطلبی را یا به شکل کلیشه ای و یا به شکل فهم دریافته است و آن را به صورتی که دریافته است به دیگران انتقال می دهد.

حال این که هر فردی چگونه برداشت می کند، قسمتی از آن به خود فرد و درک او و قسمت دیگر به ملاحظات سخنور بر می گردد. مثلاً در همین جلسه استاد دارد یکی بگوید من مطلب شما را درک نکردم یا اینکه از کناری خود بیرسد نکته چه بود؟ این اتفاق برای دایره نبوت و انسان شناسان کامل هیچگاه رخ نمی دهد. یعنی هرگز در مجلس و محفل یک نبی، اتفاق نیفتاده است که شخصی سخنان یک پیامبر را شنیده باشد و به نوعی بیان کند که متوجه نشده ام یا هنوز ابهام برای من وجود دارد یا این که از این مطلب برای من سؤالانی مطرح شد که جوابی برای آنها نیافتم. به واسطه اینکه سخن به اندازه سعه وجودی فرد و مبتنی بر حق و حقیقت است.

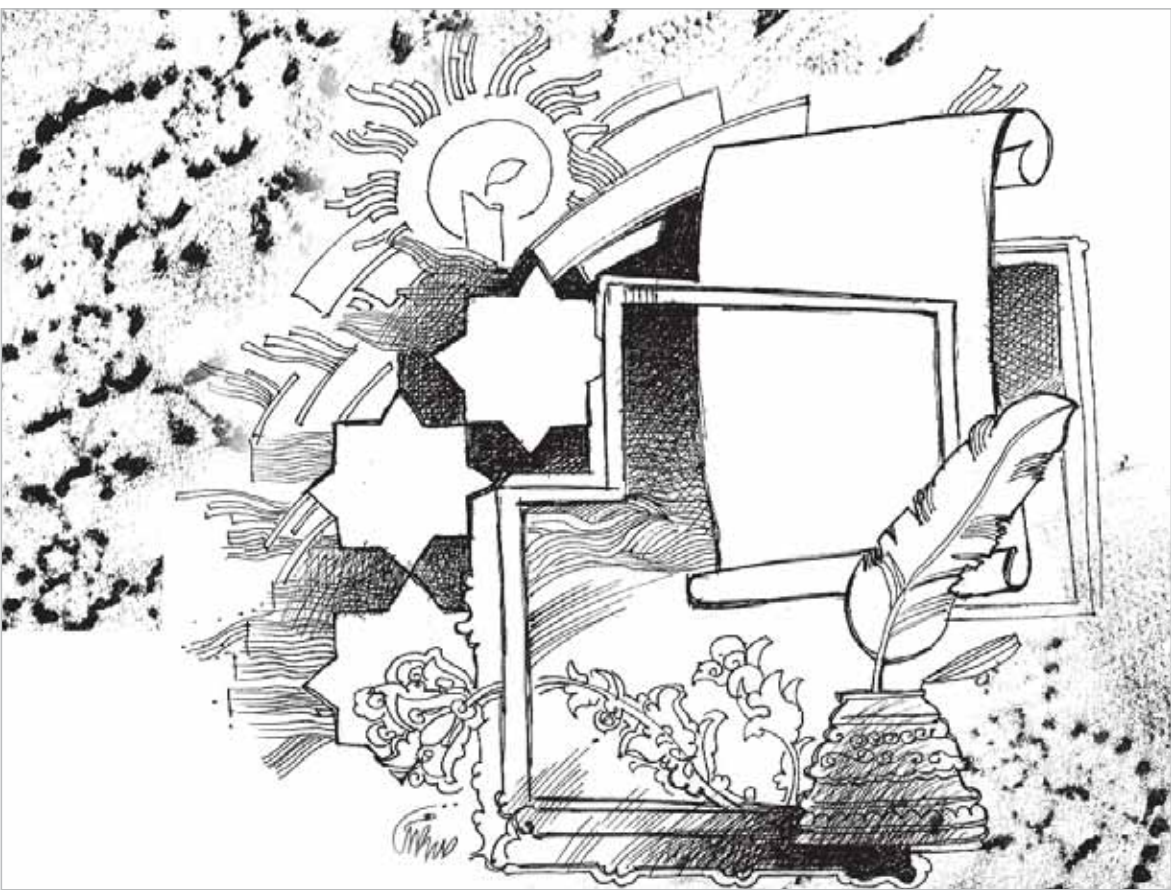
بر این مینا اشاره دقیق مولانا در حوزه انسان این است که انسان را با قرآن می سنجد. زمانی که مولانا ظاهر و باطن انسان را با ظاهر و باطن قرآن می سنجد، می خواهد بیان کند که ممکن است برداشت ما از ظاهر

فردی چیزی باشد، اما ادراک باطنی انسان مانند باطن قران ناشناخته است و محتاج یک مفسر و در مراتب بالاتر، محتاج فردی است که بتواند این وجود را تأویل کند.

تو ز قرآن، ای پسر، ظاهر مبین دیو آدم را نبیند غیر طین ظاهر قرآن چه شخص آدمی است که نقوشش ظاهر و جاش خفی است مرد را صد سال عم و خصال او یک سر موی نبیند حال او در بیت اول، شاعر می گوید که ما بیشتر اوقات ظاهر آیات قرآن را می بینیم و با درون آن کاری نداریم و مجرم آیات قرآن را می بینیم. به قول حضرت سائی: عروس حضرت قرآن، نقاب آنگه بر اندازد که دارالملک ایمان را مجرد بیند از غوغا

# سبک در شعر فارسی

#### سیدمحمود سجادی



برده و غیره و آواز و ... نگفته، بلکه شعر آهنگی را که احتمالاً خودش می‌خوانده و تفاوت سبکش با سبک دیگر شاعران، مدّ نظرش بوده.

خاقانی شاعر بزرگ و پراوازه قرن ۶ هجری که می‌دانیم بسیار هم فاضل و سخندان و جزیل‌الکلام و نوعی کبریا هم در کلامش وجود دارد و برای شعر خود– به حق –ارزش زیادی قائل بوده(همچنان که باید باشد و همه ما هم به این ارزش واقفیم).در پاسخ اعتراض‌امیز به شخصی که شعر عنصری را بر شعر او مرجح دانسته، می‌گوید:

مرا «شیوۀ خاص و تازه»است و دانشت

همان شیوۀ باستان عنصری

زده شیوه کان حیلَت شاعری است به یک شیوه شد داستان عنصری

نه تحقیق گفت و نه وعظ و نه زهد

که حرفی ندانست از آن عصری

در می‌بایم که حیلِه یا حیلَت در زبان عربی، تنها به معنای ترفند نیست، بلکه بار عاطفی مثبت هم دارد و به مفهوم راه و روش و چاره‌جویی و تدبیر هم هست.

می‌بینم حیلَت شاعری را که در حقیقت نوعی انحراف از نرم است، امری منفی نمی‌داند اما شیوۀ شاعری او را که یکسان بوده، مورد

به هر جهت، منظور مولانا این است که ما خود را ارزان فروخته ایم و این از روی خود ناشناسی است. او می‌گوید ما اطلس وجود خود را بر هر گونه‌ای جفت کرده ایم و ارزش خود را ندانسته ایم. مطلب مهم دیگری که باید به آن اشاره کرد، این است که باید اصولاً انسان از دیدگاه ناظر عالم، مثل مولانا معرفی شود و هویت او مورد شناسایی قرار گیرد.

به نظر من، مثنوی مولانا یک کتاب انسان‌شناسی گسترده و جامع است. مولانا بیش از هر مقوله‌ای به شناخت انسان پرداخته و این موضوع را مورد توجه قرار داده است.

چرا که گمگشته مولانا انسان است. بسیار مهم است که انسان یک گمگشته بزرگ و محوری در زندگی خود داشته باشد و زمانی که متوجه گمگشته خود شد، در پی کشف و دستیابی به آن باشد. مولانا در غزل معروف خود در مثنوی می‌گوید:

دی شیخ با چراغ همی گشت گشت شهر

کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست

گفتم یافت می نشود جسته ایم ما

گفت آن که یافت می نشود آتم آرزوست

انسان از نظر مولانا باید یک گمگشته داشته باشد که به قول خودش یافت می نشود. انسان باید در یک موجودی باشد که در نگاه عادی و عرفی و اصول و قوانین متعارف یافت نشود. مولانا معتقد است سخت‌ترین جست‌وجو و باریک‌ترین جست‌وجو، جست‌وجوی انسان است.

انسان جستن با این همه انبوهی نفوس، سخت‌ترین جست و جوهاست. هرچیزی، حتی نایاب‌ترین پدیده‌ها را آسان‌تر از انسان می‌توان جست. گر به ظاهر آن پیری پنهان بود

آدمی پنهان تر از پریان بود

ما احساس می‌کنیم که جن پنهان است، اما مولانا معتقد است که انسان از جن هم پنهان‌ تر است و اسرار وجود اش مخفی تر است. یا حتی حافظ هم گفته است:

آدمی در عالم خاکی نمی آید به دست

عالمی دیگر بیاید ساخت و از نو آدمی

این بحث، بسیار مبسوط است و جای بسیار تحقیق و جست و جو دارد. اما نگاه مولانا به انسان معاصر و مدرن چگونه بوده است؟ انسان مدرن، یعنی انسان اکنون. اصولاً مدرن یک واژه یونانی است که معنای اکنون می‌دهد.حال می‌بینیم نظر مولانا در مورد انسان اخیر چیست؟ قبل از این بحث، به این نکته بپردازیم که اصولاً خود مولانا انسان مدرن است یا یک انسان سنتی؟ آیا یک انسان سنتی می‌تواند یک انسان مدرن را دریابد؟ آیا اصولاً خوب است که از دید یک انسان سنتی به انسان مدرن بنگریم؟ اگر پاسخ این سؤالات روشن شود، قطعاً مسیر بحث محو‌تر می‌شود و پرداختن به بحث اصلی آسان تر می‌گردد و مقصود راحت تر حاصل می‌شود.ما مولانا را انسان سنتی نمی‌دانیم، اما او را در سنت یافته ایم. وجود مولانا یک حقیقتی در سنت است. اما این بدان معنا نیست که او انسان سنتی است. او یک انسان اکنونی است و حقیقت مدرن است. مولانا در زمان خود، سخن امروز را گفته است. سخنان او کهنه نیست. سخن او کهنه‌ها را تازه کرده است. هر مطلبی که از آن زمان می‌گذرد، به مرور کهنه می‌شود. ولی انسان امروز آن پدیده کهنه را احیا می‌کند. ما آنچه را که کهنه است، دور نمی‌ریزیم. آنچه را که در سنت ما جا مانده است، با نگاه و زبان امروزی می‌سنجیم.

هر انسانی در هر زمانی یک فیلتر است که ماضی و گذشته را فیلتر می‌کند و به آینده خود انتقال می‌دهد. اگرچه نکاتی هم هستند که از این فیلتر عبور نمی‌کنند و به نوعی به درد زمان اکنون نمی‌خورند. مثلاً امروزه مثنوی مولانا را مورد توجه قرار می‌دهیم. اما این عمل را از فیلتر اکنون و نیازها و اندوخته‌های کنونی و همچنین تجربه‌ها و علوم اکنون انجام می‌دهیم و به این صورت شامل حال بشر امروز می‌شود. امروز سخنان پیشینیان با استفاده از همین شیوه مورد نقد و بررسی قرار گرفته می‌شود. خود مولانا می‌گوید:

این بگو تا ناسفچه جو می‌کند

تا به قرنی بعد ما آبی رسد

گرچه هر قرنی سخن تو آورد

لیک گفت سارافان یساری کند

منظور مولانا این است که ما باید سخنان پیشینان و گذشتگان را به آینده انتقال دهیم. آیا بدین سان مولانا می‌تواند انسان امروز را بشناسد؟ او با ابزارهای انسان شناسی فراخ و همه شمول خود، آیا توانسته است بعد از قرن‌ها انسان امروز را بشکند و بشناسد؟ ما در انسان، دو بُعد و دو خصیصه سراغ داریم. یک بُعد آن است که گذشتت زمان و تغییرات، آن را تغییر نمی‌دهد و به نوعی ثابت و جاودان است و بُعد دیگر انسان مشمول تغییرات و تحولات است.

ادامه دارد

ایراد و انتقاد قرار می‌دهد و او شیوۀ شاعری خود را از وجوه تشخیص و امتیاز سفر خود می‌داند. او احتیازی شعر را بر مطالب پژوهشگران، آموزه‌های دینی و حکمی، ذهنیت‌های شفاف انسانی و اخلاقی را نیز از ارزش‌های کلام، شخصیت و منطقی‌بودن هندسهٔ آن و خصوصیات شیوه شاعری می‌داند.

که نمونه بارز و مثل اعلای آن همان شاهنامه بزرگ و سترگ و بی‌

همال حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی است.

در این گونه آثار، «اسطوره و تاریخ»، هر دو نقشی تعیین‌کننده دارند و به طور ماهوی به ادبیات روایی(داستانی) مربوط اند. آیا شاهنامه فردوسی با آثار مشابه – یعنی نوع حساسه – قبل و پس از خود، ارزشی یکسان دارند و بیان پدید آورنده آنها و نحوه انتقال از درون خود به ذهن و ذوق خواننده، یکسان است؟ مسلماً نه. همه آنها از نظر نوع ادبی، حساسه‌اند؛ اما سبک آنها متفاوت است. ولو این که همه در یک بحر سروده شده و دایره واژگانی آنها هم به هم نزدیک باشد.

در ادبیات منظوم تغزلی و عاشقانه نیز همین مسأله صدق می‌کند. سروده‌های مولانا، سعدی و حافظ، هر سه به ادبیات منظوم غنایی و متغّیّانه و عاشقانه مربوط است؛ اما خواننده اهل به خوبی آنها را از هم باز می‌شناسد؛ و این همان جان و جتنم شعر و جوهره سیّال و نیرومند شاعر است که برایش شخصیت و شاخصیت پدید می‌آورد. درونمایه و برونمایه سروده‌های دقیقی یا فردوسی.

با سرائندگان ژانر حماسی پس از خود، هم مشترکاتی دارد و هم وجوه افتراقی. کما این که مثلاً غزل در هر سه سبک مشهور خراسانی، عراقی و هندی و نیز سبک وقوع و دوره بازگشت ادبی، محورهای مشترکی دارد؛ اما از نظر سبک با هم متفاوت اند. زبان شاعر، میدان واژگان، آرایه‌های ادبی، قدرت تلفیق و نیروی انتقال مفاهیم به خواننده یا شنونده، دیگر به نوع ادبی مربوط نیست، بلکه به سبک ادبی ارتباط دارد.

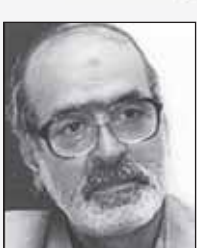
در حماسه جنگ و جدال، رجزخوانی و مفاخره، تحقیر دشمن، بیان وابستگی‌های نیرومند زمینی و آسمانی به میهن و مرز و بوم و مردم و ارزش‌های حقیقی و حقوقی کشور، آلات حرب، نحوه استفاده از آنها، حیوانات دارای نیروهای مافوق طبیعی و گاه عشق و معشوق و روابط پنهانی و نهایتاً پیروزی یا شکست مطرح می‌شود. همچنان که در ادبیات تغزلی، زیبایی و رعنایی معشوق، شوق وصال‌نرفت از هجران،دشمنی با رقیب تلاش گاه مازوحیستی (خودآزاری) عاشقش برای عاشق شدن و نهایتاً هجران و اشک و آه و ایمان‌های دیگر موردنظر است.

عشق و عاشقی در سبک خراسانی یا نوع قدرت عاشق و کبریا، غیرمعمول عاشقانه همراه است و برعکس آن در سبک عراقی، همه این‌ها وجوه مشترکی هستند که در تمام ادبیات عاشقانه، چه در قالب قصیده، چه غزل، چه مثنوی، چه قطعه، چه رباعی و سروده‌های ترکیبی(ترکیب بند، ترجیع بند، مستزاد...)، دوبیتی وجود دارند؛اما آنها هم به قالب‌های شعر و شاکله صلدی آنها مربوط اند، نه به سبک آن.ما این بحث را پیسی خواهیم گرفت و از نهضت‌های ادبی و تأثیر شخصیت شاعر در سروده‌هایش در آینده سخن خواهیم گفت.



پنجشنبه ۱۸ بهمن ۱۳۹۷ – یکم جمادی‌الثانی ۱۴۴۰ – ۷ فوریه ۲۰۱۹ – سال نود و سوم – شماره ۲۷۲۱۸

#### خواتانی



محمدجواد محبت

ای سرزمین خاطره‌های سترگ من
ایران من، حماسهٔ عشق بزرگ من
منشور پایدار تو را دست روزگار
بسر بیستون نوشت که: این است افتخار
ایران من، همیشه سرافرازی از تو بود
در عرصه‌های حادثه، جانبازی از تو بود
قهرآوردی اگر به کمین تو در نشست
تو در قیام ماندی و او از کمر شکست
عزت قرین توست، شرف رهنمای توست
نور خدا و دست دعا آشنای توست
بال خیال بند تو سبز و سپید و سرخ
میار ارجمند تو سبز و سپید و سرخ
با همت بلند عریزان سرفراز
همواره باد پرچم ایران در اهتزاز



### عطر اقاقی



بانو فرشید افشار

من موسیقی را شنیده ام از آب

در جوی‌های جیوه‌ای غم دار

آن رهروان کوچِ چه تصویر

شعر بلند عطر اقاقی

سرریز بود از دیوارهای آجری نم دار

در کوچه‌های عاطفه می‌خواندم

پیوسته در بیت دشتی و در شور

و از دریچه مهنایی

در گوشه‌های فاخر ماهور

جنت اتاق پنج‌دردی بودم

در انتظار سنت دیدار

من سالها تا هنوز هم در انتظار وقت ظهورم

با آنکه انتظار من آن موعود

از آب می‌تراود و از مهناب

وقت وضوی عشق؛

از اضطراب آب

از حوض پرتاطلم سیماب

✽ وکیل دادگستری و پژوهشگر



### طبیعت زیبا



پویا کاشانی(دکتر صنعتی)

طبیعت است سراسر، شکوه زیبایی
جهان به دیده اهل خرد، تماشایی
به شرط آنکه نباشد نگاه بد بین
به شرط آنکه نباشد هیوای کجرای
به شرط آنکه نخواهد بشهرمه چیز
برای راحتی خویشن، به تنهائی
به شرط آنکه نباشدخلافِ درک و یقین
میان مسلم و گبر و یهود و ترسائی
به شرط آنکه نباشد بساط جنگ رواج
میان نسل پشتر، بهر بهره افزایی
به شرط آنکه نخواهد فریسکار دخل
چو این چنین نشود، بشاز گوی‌پریار!
که بیهده مده دل را به دستِ شدایی



### اخگر آه



محمدعلمی دورودی

سوزنده‌تر از اخگر آه منی‌ای اشکا!
روشنگر شب‌های سیاه منی‌ای اشکا!
تا گرم در آغوش نگاهم بنشینی
هرم و دلفرا چشم براه منی‌ای اشک
بر جانم اگر نشاند آلوده بشازد
بالم نبود تا تو سیاه منی‌ای اشک
در دامن شب‌های غم‌گیر جلدایی
هم صحت روشدل آه منی‌ای اشک
دامان من آلوده نگردد به گناهی
برایکی اندیشه، گواه منی‌ای اشک
گنجینه جاوید سرشک منی‌ای چشم
آینه خورشید نگاه منی‌ای اشک
برگونه او بوسه زن چون لب «علمی»
آن لحظه که بر چهرهٔ من منی‌ای اشک

تهران ۱۳۴۴/۷/۷



#### اشک‌ها

چور قلم‌هایی را می‌کنند

که جوهرهٔ از تو سرودن نداشتند

#### سیاه کاری

آنقدر کلاه سیاه کردم

تا شب بیه شد

اما هنوز

شعر سبیلی نسرودم

#### قزار

ساعت جدید شد

تمام قزارهای عاشقانه

یک ساعت به تأخیر افتاد























## اطلاعات

دونالد ترامپ به دنبال حمله انتحاری داعش که به عنوان مرگبارترین حمله به نیروهای آمریکایی از زمان استقرارشان در سوریه از سال ۲۰۱۵ تاکنون اعلام شده، تحت فشار برای تجدید نظر در مورد خروج نیروهای آمریکایی از این کشور قرار گرفته است.

به گزارش ایسنا، پایگاه خبری هیل در گزارشی نوشته است: دست‌اندرکاران امور دفاعی و سیاست خارجی در حمله را نشانه‌ای از هشدار ماه گذشته خود می‌دانند مبن بر اینکه داعش در عراق و سوریه ضعیف شده اما از بین نرفته است و با خروج آمریکا جان دوباره خواهند یافت.مارکو روبیو، سناتور جمهوری خواه فلوریدا در این مورد گفته است: تاریخ این مناطق اینگونه بوده است: زمانی که شما به این گروه‌ها فشار وارد نکنید، آنها رشد می‌کنند و به

ورش می‌پردازند و اگر یکسال بعد آنها چپ‌های سیاه خود را نشان دهند و در یوتیوب سر بیرند، ما احتمالاً دوباره باید به آنجا برگردیم که این بدترین نتیجه ممکن برای رئیس جمهور و کشور است. رابو یو جنو سناتورهای انگشت شماری بود که بعد از حمله (به نیروهای آمریکایی در منبج سوریه) به کاخ سفید رفت و با ترامپ ملاقات کرد. در این سناتور جمهوری خواه گفت که این ملاقات را در حالی ترک کرد که باور داشت ترامپ بسیار مایل به ننگ داشتن قولش مبنی بر خروج از درگیری‌های خارجی به نحوی است که مأموریت مبارزه با تروریسم آمریکا را را خراب نکند.اما هیچ نشانه‌ای مبنی بر جواب ترامپ به این درخواست‌ها وجود ندارد زیرا او و دنبال محقق کردن وعده کمپین انتخاباتی خود مبنی بر خروج نیروهای آمریکایی از خاورمیانه است. همچنین حامیان تصمیم رئیس جمهور می‌گویند این حمله دقیقاً نشان می‌دهد چرا اکنون زمان خروج است. اخیراً، یک عامل انتحاری در نزدیک یک رستوران در شهر منبج واقع در جنوب سوریه که در ۲۰۱۶ در داعش پس گرفته شده بود، شبی را امتحان کرد.

دست کم ۱۹ نفر در این حمله کشته شدند که این تعداد شامل دو نیروی نظامی آمریکا، یک کارمند پنتاگون و یک پیمانکار نظامی آمریکایی می‌شد. قبل از این حمله از سال ۲۰۱۵ تاکنون تنها دو نفر در این حمله کشته شدند. مأموریت در سوریه کشته شده بود. حدود ۵۰ نیروی آمریکایی برای کمک به نیروهای عراق برای مبارزه با داعش اکتبر ۲۰۱۵ در سوریه مستقر شدند، تعدادی که به تدریج تاکنون به ۲۰۰۰ نیرو رسیده است.منبج همواره محل یک کشمکش استراتژیک بوده است که به طور ویژه طرفین این درگیری‌ها نیروهای کرد تحت حمایت آمریکا را تهدید می‌هستند که ترکیه به دلیل تروریست خواندن این نیروها، خواستار خروج از آنجا است. از زمان آغاز بیرون رفتن نیروی ترامپ نیروهای روسیه و سوریه به دعوت

کردها که خواستار حمایت در مقابل ترکیه هستند، خود را برای گرفتن شهر آماده کرده‌اند. منبج با وجود داشتن این ژئوپلیتیک پیچیده، با این حال از تهدید داعش در امان بوده تا اینکه این حمله به وقوع پیوست.این حمله همچنین ادعای ترامپ هنگام اعلام خروج نیروها مبنی بر شکست خوردن داعش از زیر سوال بسرد. ترامپ در اولین واکنش عمومی خود به این حمله تسلیت خود را ابراز کرد اما سخنی از برنامه خروج نیروها به میان نیاورد .

فشار وارد نکنید، آنها رشد می‌کنند و به نرفته است و با خروج آمریکا جان دوباره خواهند یافت.مارکو روبیو، سناتور جمهوری خواه فلوریدا در این مورد گفته است: تاریخ این مناطق اینگونه بوده است: زمانی که شما به این گروه‌ها

ترامپ در پنتاگون در رونمایی از خط مشی‌های جدید دفاع موسکی گفت: می‌خواهم عمیق‌ترین تسلیت خود را به خانواده‌های آمریکایی‌های قهرمانی که در راه خدمت به کشور و از خودگذشتگی‌های جان خود را فدا کردند ابراز کنم. آنها مردم گرفتاری هستند. ما هرگز فداکاری جانودان و نجیبانه آنها را فراموش نخواهیم کرد. در ایسن صحبت‌ها مایک پنس، معاون رئیس جمهور آمریکا اعلام کرد که این خروج نیروها در جریان است.پنس گفت: خانواده آنها و نیروهای مسلح درگیری‌ها را باید بدانند که فداکاریشان تنها ابراه مس را برای بازگرداندن نیروها به خانه قویتر می‌کند. ما ایکنار را به نحوی انجام می‌دهیم تا مطمئن شویم داعش هرگز نمی‌تواند دوباره اعمال شیطانی خود را انجام دهد و خلافت خونین خود را برپا سازد.حامیان تصمیم ترامپ عنوان می‌کنند که این حمله نشان دهنده این است که چرا ما باید از سوریه خارج شویم. زیرا آنها در حال گشت‌زنی در منبج هستند و برای حال عامل بمب گذاری می‌باشند. ما به هیچ بهانه‌ای برای حمله نیاز ندار، خروج ما این حمله آنها را تایید می‌کند که "شما می‌گویید ما باخته‌ایم، ما هم نشانان می‌دهیم".

**فراز و فرودها در اختلافات آمریکا و ترکیه درباره شمال سوریه**
اختلاف میان آمریکا و ترکیه بر سر اداره وضعیت شمال سوریه با فراز و فرود تندی همراه استست و به نظر می‌رسد دو طرف بر سر طرحی در این باره به توافق رسیده‌اند اما دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا از خلدون ترکیه امن دم می‌زند و رجب طیب اردوغان، همنای ترکیه‌ای وی این منطقه را حائل می‌خوانسد، هیوز نیوز چارچوپ این توافق مشخص نشده است.به گزارش

گرفتن گزینه‌های میدانی خروج نیروها را عملی می‌کند، گفت حمله چهارشنبه حادثه‌ای است که معکوس کردن معادله از ژئوپلیتیک پیچیده، با این حال از تهدید داعش در امان بوده تا اینکه این حمله به وقوع پیوست.این حمله همچنین ادعای ترامپ هنگام اعلام خروج نیروها مبنی بر شکست خوردن داعش از زیر سوال بسرد. ترامپ در اولین واکنش عمومی خود به این حمله تسلیت خود را ابراز کرد اما سخنی از برنامه خروج نیروها به میان نیاورد .

فشار وارد نکنید، آنها رشد می‌کنند و به نرفته است و با خروج آمریکا جان دوباره خواهند یافت.مارکو روبیو، سناتور جمهوری خواه فلوریدا در این مورد گفته است: تاریخ این مناطق اینگونه بوده است: زمانی که شما به این گروه‌ها

ترامپ در پنتاگون در رونمایی از خط مشی‌های جدید دفاع موسکی گفت: می‌خواهم عمیق‌ترین تسلیت خود را به خانواده‌های آمریکایی‌های قهرمانی که در راه خدمت به کشور و از خودگذشتگی‌های جان خود را فدا کردند ابراز کنم. آنها مردم گرفتاری هستند. ما هرگز فداکاری جانودان و نجیبانه آنها را فراموش نخواهیم کرد. در ایسن صحبت‌ها مایک پنس، معاون رئیس جمهور آمریکا اعلام کرد که این خروج نیروها در جریان است.پنس گفت: خانواده آنها و نیروهای مسلح درگیری‌ها را باید بدانند که فداکاریشان تنها ابراه مس را برای بازگرداندن نیروها به خانه قویتر می‌کند. ما ایکنار را به نحوی انجام می‌دهیم تا مطمئن شویم داعش هرگز نمی‌تواند دوباره اعمال شیطانی خود را انجام دهد و خلافت خونین خود را برپا سازد.حامیان تصمیم ترامپ عنوان می‌کنند که این حمله نشان دهنده این است که چرا ما باید از سوریه خارج شویم. زیرا آنها در حال گشت‌زنی در منبج هستند و برای حال عامل بمب گذاری می‌باشند. ما به هیچ بهانه‌ای برای حمله نیاز ندار، خروج ما این حمله آنها را تایید می‌کند که "شما می‌گویید ما باخته‌ایم، ما هم نشانان می‌دهیم".

**فراز و فرودها در اختلافات آمریکا و ترکیه درباره شمال سوریه**
اختلاف میان آمریکا و ترکیه بر سر اداره وضعیت شمال سوریه با فراز و فرود تندی همراه استست و به نظر می‌رسد دو طرف بر سر طرحی در این باره به توافق رسیده‌اند اما دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا از خلدون ترکیه امن دم می‌زند و رجب طیب اردوغان، همنای ترکیه‌ای وی این منطقه را حائل می‌خوانسد، هیوز نیوز چارچوپ این توافق مشخص نشده است.به گزارش

ایسنا، اردوغان پیش از این در پارلمان ترکیه گفته بود، به طرح ترامپ درباره ایجاد این منطقه به عمق ۲۰مایل در شمال سوریه رویکرد مثبتی دارد و امکان گسترش این طرح وجود دارد و در صورت دریافت حمایت مالی می‌تواند این منطقه را ایجاد کند.رئیس جمهوری ترکیه بر ضرورت ایجاد منطقه حائل ضمن رازینی با همه طرف‌های ذی‌نظر از جمله دهنده‌های ضامن آن‌شیرس در مذاکرات آستانه (ترکیه، روسیه و ایران) تصریح کرد و مشارکت یگان‌های مدافع

## روابط بین الملل

در سوریه (یگان‌های مدافع خلق) است که به ترکیه حمله کرده‌اند. تناقض در اظهارات مسئولان آمریکا و ترامپ مسائل را پیچیده می‌کند و اگر ابالات متحده تصمیم خروج از سوریه را به دنبال حمله بگیرد، وی تصریح کرد، در قوانین بین‌المللی میان کارکرد منطقه‌ان و جرائل تفاوت است اما هر دو مستلزم صدور اخیر گروه تروریستی داعش به منبج تغییر می‌دهد، فرصت دستایی به راحل سیاسی پیچیده خواهد شدد و فرصت‌ها برای اجرای عملیات نظامی ترکیه در منطقه افزایش خواهد یافت. بلمان گفت:ترکیه در روی زمین هستند و منطقه حائل در جریان درگیری‌های مسلحانه از طریق

از ایسن توثیت جنجالی با همنای ترک خود تماس گرفت و از ظرفیت‌های موجود برای توسعه همکاری‌های آمریکا و جسدب احتمال پناه بردن آنکارا به دو طرف بر سر مسائل سوریه بار دیگر طی روزهای گذشته آشکار شد. «رجب طیب اردوغان» در تماس با ترامپ اشاره‌ای به این توثیت جنجالی نکرد اما سخنگوی ریاست جمهوری ترکیه در بیان‌المللی میان کارکرد منطقه‌ان و جرائل تفاوت است اما هر دو مستلزم صدور اخیر گروه تروریستی داعش به منبج تغییر می‌دهد، فرصت دستایی به راحل سیاسی پیچیده خواهد شدد و فرصت‌ها برای اجرای عملیات نظامی ترکیه در منطقه افزایش خواهد یافت. بلمان گفت:ترکیه در روی زمین هستند و منطقه حائل در جریان درگیری‌های مسلحانه از طریق

مواضع ترامپ و مهمتر از آن اعلام توثیتری خروج نظامیان آمریکایی از سوریه برخلاف شور و مشورت‌های درونی کاخ سفید صورت گرفته و به ایجاد حلقه ای از ناراضیان داخلی و خارجی انجامیده است.مستمان پارسل بود که مستخان «رکس رابسون» وزیر امور خارجه وقت آمریکا درباره ایجاد یک تشکسل نظامی ۳۰ هزار نفری از سوریه ایران بود که در جریان محاکمه مرزی ترکیه و سوریه با واکنش شدید ترک‌ها مواجه شدد. تیلرسون البته این

تحریم‌های آمریکایی علیه ترکیه بود. «اندرو برانسون» کشیش آمریکایی بود که پس از وقوع کودتای ترکیه دستگیر شد و وخیم شدن اوضاع وی در زندان و سپس اصرار ترامپ برای آزادی او به تقابلی جدی در تابستان امسال انجامید. دامنه جلال دیپلماتیک و سیاسی دو طرف به وضع تحریم‌های اقتصادی انجامید. در همین پیوند، ترامپ تعرفه واردات فولاد چین را به ۲۵ درصد افزایش داد. او همچنین به ۲۰۰ درصد افزایش تعرفه واردات فولاد چین را به ۲۵ درصد افزایش داد. او همچنین به ۲۰۰ درصد افزایش تعرفه واردات فولاد چین را به ۲۵ درصد افزایش داد.

پس از این کش و قوس‌ها بود که ترکیه با همراهی ارزش آزادپیشش (سوریه، یعنی یکی از گروه‌های معارض دمشق و تحت حمایت آنکارا به منطقه کردنشین «عفرین» حمله برد تا در

عملیات موسوم به «شاخه زیتون» گروه‌های مسلح کردی را از نزدیکی مرزهایش عقب برانند.این در حالی است که نیروهای دموکراتیک سوریه در جریان حضور نظامی آمریکا در این کشور از نزدیکترین شرکای واشنگتن بوده اند و در شرایط کنونی نیز آمریکا حمایت خود از گروه‌های مسلح کردی را در راستای مبارزه با داعش توجیه می‌کند. در مقابل، ترک‌های می‌گویند این اشتباه مهلکی است (پ.ک.ک.) یکی بداند. آشتی ناپذیری ترکیه بر سر مساله کردها و تلاش دولت ترامپ برای فرار از مظان این اتهام که آمریکا پشت شرای خود را در برنگاه‌ها خالی می‌کند سبب ایجاد یک تعارض جدی میان آنکارا و واشنگتن شده است؛

تعارضی که آمریکا‌ها قصد دارند آن را از طریق مذاکره و دادن امتیازهایی به سوریه در میان واردانند.این حال، چالش‌ها میان ترکیه و آمریکا محدود به مساله کردها نیست. خودداری واشنگتن از پذیرش تقاضای ترکیه برای تحویل «فتح الله گولن» چهره شاخص سیاسی و مذهبی ساکن آمریکا موضوعی بود که به نارضاضی اردوغان از کاخ سفید دامن زد. پس از کودتای نافرجام تیرماه ۹۵، رئیس‌جمهوری ترکیه برخی از دولت‌های غربی و منطقه را به حمایت از کودتاچیان متهم کرد.برایمنش خبری آمریکا به درخواست استرداد گولن که دولت ترکیه او را اصلی ترین متهم هدایت کودتا می‌خواند، به سبندی روابط دو طرف انجامید.در مقابل، برخورد دولت ترکیه با هراتان از متهمان همکاری با کودتاچیان، انتقادات فراوانی را به خصوص از جانب غربی‌ها برانگیخت

## فشارها برای تجدید نظر در خروج نظامیان آمریکا از سوریه



خلق کرد در این طرح را رد کرد و گفت، اختلاف میان آنکارا و واشنگتن درباره سوریه تراحت کننده است.

**نگارنی**
درباره اختلاف میان آمریکا و ترکیه در مورد منطقه‌ان، انس پلمان، پژوهشگر دانشگاهی ترکیه می‌گوید، واشنگتن بدون ارائه جزئیات بیشتر به دنبال ایجاد منطقه امن استست در حالی که آنکارا از اینکه این منطقه به محل حمایت از گروه‌های تروریستی بدل شود، نگران است. ترکیه

درساره نام این منطقه خواه اسم آن امن باشد یا حائل، مشکلی ندارد مهم ایجاد منطقه در شمال سوریه است تا از طریق سن به حفاظت از غیرنظامیان سوریه و مرزهای خود در برابر هرگونه حملات یگان‌های مدافع خلق کرد به خساک ترکیه بپردازدوی که مدیر دفتر بین‌المللی دانشگاه این خلدون ترکیه است به الجزیره گفت.هدف از اظهارات

هایک مابیتو، وزیر خارجه آمریکا درباره ایجاد منطقه امن به جای منطقه حائل ادامه حمایت از پ.ک.ک و شاخه‌های آن

توافق میان کشورهای درگیر برای اجرای آتش‌پس ایجاد می‌شود. **ترکیه و شراکت مستهلک**
شراکت راهبردی واشنگتن و آنکارا موضوعی است که یادآوری آن در اوج مجادلات دیپلماتیک کاربردی بیش ترمز مستحکم با واشنگتن از طریق تحت فشار گذاشتن این کشور برای عدم حمایت از نیروهای تروریستی در منطقه است

تا جایی که از تصمیم خروج آمریکا از منطقه به محل حمایت از گروه‌های تروریستی بدل شود، نگران است. ترکیه

از سوی دیگر، معسن الطلاع، پژوهشگر سوری در مرکز مطالعات استراتژیک عمران به گفته خبری الجزیره گفت، در حالی که ترکیه به دنبال ایجاد این منطقه با هدف برقراری امنیت آن و خروج همه تسلیحات از مرزهاست، واشنگتن تلاش می‌کند چارچوب سیاسی تعیین کرده و امنیت کرد در صورت حمله ترکیه به گروه‌های کردی، اقتصاد این کشور را ویران خواهد کرد. ترامپ هر چند اندک زمانی پس

میان ترکیه و کردها یکی را به عنوان شریک برگزیده‌پیش از این مجادله و در اوسط ماه جاری، «جان بولتون» مشاور امنیت ملی ترامپ به ترکیه رفته بود تا موضوعی است که یادآوری آن در اوج مجادلات دیپلماتیک کاربردی بیش ترمز مستحکم با واشنگتن از طریق تحت فشار گذاشتن این کشور برای عدم حمایت از نیروهای تروریستی در منطقه است تا جایی که از تصمیم خروج آمریکا از منطقه به محل حمایت از گروه‌های تروریستی بدل شود، نگران است. ترکیه

دین وسیله از کلیه اعضا، محترم دعوت می‌شود تا در مجمع عمومی فوق‌العاده نوبت دوم شرکت تعاونی تولیدی توزیع‌ی کارکنان نیروگاه دماوند به منظور بررسی و اتخاذ تصمیم در خصوص دستور جلسه به شرح ذیل که راس ساعت ۱۰:۳۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۰۱ در محل سال همایش نیروگاه شهدای پاکدشت واقع در یک کیلومتر ۳۵ جاده تهران - گرمسار نیروگاه شهدای پاکدشت (دماوند) تشکیل می‌شود حضور بهم رسانید.

الف ) در صورتیکه حضور عضوی در مجمع عمومی میسر نباشد می‌تواند حق حضور واصل را از سوی خود را به نماینده تام الاختیار خود واگذار نماید، در اینصورت تعداد آرای وکالتی هرعضو حداکثر ۳ رای و هر شخص حق رأی تنها یک رای خواهد بود. اضافه می‌گردد هر گکه ای نمایندگان (ممبر) با امضاء بازرس ومهر شرکت تعاونی معتبر خواهد بود.

ب ) این مجمع عمومی فوق العاده با حضور نصف بیاورده که رسمیت خواهد یافت و مصوبات آن در صورت عدم غایرت بسا ضوابط قانونی برای کلیه اعضا، اعم از حاضروغایب نافذ و معتبر خواهد بود.

۱- تصمیم در خصوص تصویب آدرس و کد پستی جدید شرکت تعاونی تکاد

**هیئت مدیره**

**تاریخ انتشار:۹۷/۱۱/۱۸**

**آگهی دعوت مجمع عمومی فوق العاده**

**نوبت دوم**

**شرکت تعاونی تولیدی توزیع یی کارکنان نیروگاه دماوند**

**(تکاد)**

**شناسه ملی ۱۴۰۰۵۲۵۵۹۸۱ شماره ثبت ۲۱۲۱**

بدین وسیله از کلیه اعضا، محترم دعوت می‌شود تا در مجمع عمومی فوق‌العاده نوبت دوم شرکت تعاونی تولیدی توزیع‌ی کارکنان نیروگاه دماوند به منظور بررسی و اتخاذ تصمیم در خصوص دستور جلسه به شرح ذیل که راس ساعت ۱۰:۳۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۰۱ در محل سال همایش نیروگاه شهدای پاکدشت واقع در یک کیلومتر ۳۵ جاده تهران - گرمسار نیروگاه شهدای پاکدشت (دماوند) تشکیل می‌شود حضور بهم رسانید.

الف ) در صورتیکه حضور عضوی در مجمع عمومی میسر نباشد می‌تواند حق حضور واصل را از سوی خود را به نماینده تام الاختیار خود واگذار نماید، در اینصورت تعداد آرای وکالتی هرعضو حداکثر ۳ رای و هر شخص حق رأی تنها یک رای خواهد بود. اضافه می‌گردد هر گکه ای نمایندگان (ممبر) با امضاء بازرس ومهر شرکت تعاونی معتبر خواهد بود.

ب ) این مجمع عمومی فوق العاده با حضور نصف بیاورده که رسمیت خواهد یافت و مصوبات آن در صورت عدم غایرت بسا ضوابط قانونی برای کلیه اعضا، اعم از حاضروغایب نافذ و معتبر خواهد بود.

۱- تصمیم در خصوص تصویب آدرس و کد پستی جدید شرکت تعاونی تکاد

**هیئت مدیره**

**تاریخ انتشار:۹۷/۱۱/۱۸**

**آگهی دعوت مجمع عمومی عادی**

**به طور فوق العاده نوبت دوم**

**شرکت تعاونی تولیدی توزیع یی کارکنان نیروگاه دماوند**

**(تکاد)**

**شناسه ملی ۱۴۰۰۵۲۵۵۹۸۱ شماره ثبت ۲۱۲۱**

بدین وسیله از کلیه اعضای محترم دعوت می‌شود تا در مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده نوبت دوم شرکت تعاونی تولیدی توزیع یی کارکنان نیروگاه دماوند به منظور برسی و اتخاذ تصمیم در خصوص دستور جلسه به شرح ذیل که راس ساعت ۱۰:۳۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۰۱ در محل سال همایش شهدای پاکدشت واقع در یک کیلومتر ۳۵ جاده تهران - گرمسار نیروگاه شهدای پاکدشت (دماوند) تشکیل می‌شود حضور بهم رسانید.

الف ) در صورتیکه حضور عضوی در مجمع عمومی میسر نباشد می‌تواند حق حضور واصل را از سوی خود را به نماینده تام الاختیار خود واگذار نماید، در اینصورت تعداد آرای وکالتی هرعضو حداکثر ۳ رای و هر شخص حق رأی تنها یک رای خواهد بود. اضافه می‌گردد هر گکه ای نمایندگان (ممبر) با امضاء بازرس ومهر شرکت تعاونی معتبر خواهد بود.

ب ) این مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده با حضور عدد حاضر رسمیت خواهد یافت و مصوبات آن در صورت عدم غایرت با ضوابط قانونی برای کلیه اعضا اعم از حاضروغایب نافذ و معتبر خواهد بود.

**دستور جلسه:**

۱- تصمیم در خصوص تصویب آدرس و کد پستی جدید شرکت تعاونی تکاد

**تاریخ انتشار:۹۷/۱۱/۱۸**

**آگهی دعوت مجمع عمومی عادی**

**به طور فوق العاده نوبت دوم**

**شرکت تعاونی تولیدی توزیع یی کارکنان نیروگاه دماوند**

**(تکاد)**

**شناسه ملی ۱۴۰۰۵۲۵۵۹۸۱ شماره ثبت ۲۱۲۱**

بدین وسیله از کلیه اعضای محترم دعوت می‌شود تا در مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده نوبت دوم شرکت تعاونی تولیدی توزیع یی کارکنان نیروگاه دماوند به منظور برسی و اتخاذ تصمیم در خصوص دستور جلسه به شرح ذیل که راس ساعت ۱۰:۳۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۰۱ در محل سال همایش شهدای پاکدشت واقع در یک کیلومتر ۳۵ جاده تهران - گرمسار نیروگاه شهدای پاکدشت (دماوند) تشکیل می‌شود حضور بهم رسانید.

الف ) در صورتیکه حضور عضوی در مجمع عمومی میسر نباشد می‌تواند حق حضور واصل را از سوی خود را به نماینده تام الاختیار خود واگذار نماید، در اینصورت تعداد آرای وکالتی هرعضو حداکثر ۳ رای و هر شخص حق رأی تنها یک رای خواهد بود. اضافه می‌گردد هر گکه ای نمایندگان (ممبر) با امضاء بازرس ومهر شرکت تعاونی معتبر خواهد بود.

ب ) این مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده با حضور نصف بیاورده که رسمیت خواهد یافت و مصوبات آن در صورت عدم غایرت با ضوابط قانونی برای کلیه اعضا اعم از حاضروغایب نافذ و معتبر خواهد بود.

**دستور جلسه:**

۱- تصمیم در خصوص تصویب آدرس و کد پستی جدید شرکت تعاونی تکاد

**تاریخ انتشار:۹۷/۱۱/۱۸**

**آگهی دعوت مجمع عمومی عادی**

**به طور فوق العاده نوبت دوم**

**شرکت تعاونی تولیدی توزیع یی کارکنان نیروگاه دماوند**

**(تکاد)**

**شناسه ملی ۱۴۰۰۵۲۵۵۹۸۱ شماره ثبت ۲۱۲۱**

بدین وسیله از کلیه اعضای محترم دعوت می‌شود تا در مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده نوبت دوم شرکت تعاونی تولیدی توزیع یی کارکنان نیروگاه دماوند به منظور برسی و اتخاذ تصمیم در خصوص دستور جلسه به شرح ذیل که راس ساعت ۱۰:۳۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۰۱ در محل سال همایش شهدای پاکدشت واقع در یک کیلومتر ۳۵ جاده تهران - گرمسار نیروگاه شهدای پاکدشت (دماوند) تشکیل می‌شود حضور بهم رسانید.

الف ) در صورتیکه حضور عضوی در مجمع عمومی میسر نباشد می‌تواند حق حضور واصل را از سوی خود را به نماینده تام الاختیار خود واگذار نماید، در اینصورت تعداد آرای وکالتی هرعضو حداکثر ۳ رای و هر شخص حق رأی تنها یک رای خواهد بود. اضافه می‌گردد هر گکه ای نمایندگان (ممبر) با امضاء بازرس ومهر شرکت تعاونی معتبر خواهد بود.

ب ) این مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده با حضور نصف بیاورده که رسمیت خواهد یافت و مصوبات آن در صورت عدم غایرت با ضوابط قانونی برای کلیه اعضا اعم از حاضروغایب نافذ و معتبر خواهد بود.

**دستور جلسه:**

۱- تصمیم در خصوص تصویب آدرس و کد پستی جدید شرکت تعاونی تکاد

**تاریخ انتشار:۹۷/۱۱/۱۸**

**آگهی دعوت مجمع عمومی عادی**

**به طور فوق العاده نوبت دوم**

**شرکت تعاونی تولیدی توزیع یی کارکنان نیروگاه دماوند**

**(تکاد)**

**شناسه ملی ۱۴۰۰۵۲۵۵۹۸۱ شماره ثبت ۲۱۲۱**

بدین وسیله از کلیه اعضای محترم دعوت می‌شود تا در مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده نوبت دوم شرکت تعاونی تولیدی توزیع یی کارکنان نیروگاه دماوند به منظور برسی و اتخاذ تصمیم در خصوص دستور جلسه به شرح ذیل که راس ساعت ۱۰:۳۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۰۱ در محل سال همایش شهدای پاکدشت واقع در یک کیلومتر ۳۵ جاده تهران - گرمسار نیروگاه شهدای پاکدشت (دماوند) تشکیل می‌شود حضور بهم رسانید.

الف ) در صورتیکه حضور عضوی در مجمع عمومی میسر نباشد می‌تواند حق حضور واصل را از سوی خود را به نماینده تام الاختیار خود واگذار نماید، در اینصورت تعداد آرای وکالتی هرعضو حداکثر ۳ رای و هر شخص حق رأی تنها یک رای خواهد بود. اضافه می‌گردد هر گکه ای نمایندگان (ممبر) با امضاء بازرس ومهر شرکت تعاونی معتبر خواهد بود.

ب ) این مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده با حضور نصف بیاورده که رسمیت خواهد یافت و مصوبات آن در صورت عدم غایرت با ضوابط قانونی برای کلیه اعضا اعم از حاضروغایب نافذ و معتبر خواهد بود.

**دستور جلسه:**

۱- تصمیم در خصوص تصویب آدرس و کد پستی جدید شرکت تعاونی تکاد

**تاریخ انتشار:۹۷/۱۱/۱۸**

**آگهی دعوت مجمع عمومی عادی**

**به طور فوق العاده نوبت دوم**

**شرکت تعاونی تولیدی توزیع یی کارکنان نیروگاه دماوند**

**(تکاد)**

**شناسه ملی ۱۴۰۰۵۲۵۵۹۸۱ شماره ثبت ۲۱۲۱**

بدین وسیله از کلیه اعضای محترم دعوت می‌شود تا در مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده نوبت دوم شرکت تعاونی تولیدی توزیع یی کارکنان نیروگاه دماوند به منظور برسی و اتخاذ تصمیم در خصوص دستور جلسه به شرح ذیل که راس ساعت ۱۰:۳۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۰۱ در محل سال همایش شهدای پاکدشت واقع در یک کیلومتر ۳۵ جاده تهران - گرمسار نیروگاه شهدای پاکدشت (دماوند) تشکیل می‌شود حضور بهم رسانید.

الف ) در صورتیکه حضور عضوی در مجمع عمومی میسر نباشد می‌تواند حق حضور واصل را از سوی خود را به نماینده تام الاختیار خود واگذار نماید، در اینصورت تعداد آرای وکالتی هرعضو حداکثر ۳ رای و هر شخص حق رأی تنها یک رای خواهد بود. اضافه می‌گردد هر گکه ای نمایندگان (ممبر) با امضاء بازرس ومهر شرکت تعاونی معتبر خواهد بود.

ب ) این مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده با حضور نصف بیاورده که رسمیت خواهد یافت و مصوبات آن در صورت عدم غایرت با ضوابط قانونی برای کلیه اعضا اعم از حاضروغایب نافذ و معتبر خواهد بود.

**دستور جلسه:**

۱- تصمیم در خصوص تصویب آدرس و کد پستی جدید شرکت تعاونی تکاد

**تاریخ انتشار:۹۷/۱۱/۱۸**

**آگهی دعوت مجمع عمومی عادی**

**به طور فوق العاده نوبت دوم**

**شرکت تعاونی تولیدی توزیع یی کارکنان نیروگاه دماوند**

**(تکاد)**

**شناسه ملی ۱۴۰۰۵۲۵۵۹۸۱ شماره ثبت ۲۱۲۱**

بدین وسیله از کلیه اعضای محترم دعوت می‌شود تا در مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده نوبت دوم شرکت تعاونی تولیدی توزیع یی کارکنان نیروگاه دماوند به منظور برسی و اتخاذ تصمیم در خصوص دستور جلسه به شرح ذیل که راس ساعت ۱۰:۳۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۰۱ در محل سال همایش شهدای پاکدشت واقع در یک کیلومتر ۳۵ جاده تهران - گرمسار نیروگاه شهدای پاکدشت (دماوند) تشکیل می‌شود حضور بهم رسانید.

الف ) در صورتیکه حضور عضوی در مجمع عمومی میسر نباشد می‌تواند حق حضور واصل را از سوی خود را به نماینده تام الاختیار خود واگذار نماید، در اینصورت تعداد آرای وکالتی هرعضو حداکثر ۳ رای و هر شخص حق رأی تنها یک رای خواهد بود. اضافه می‌گردد هر گکه ای نمایندگان (ممبر) با امضاء بازرس ومهر شرکت تعاونی معتبر خواهد بود.

ب ) این مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده با حضور نصف بیاورده که رسمیت خواهد یافت و مصوبات آن در صورت عدم غایرت با ضوابط قانونی برای کلیه اعضا اعم از حاضروغایب نافذ و معتبر خواهد بود.

**دستور جلسه:**

۱- تصمیم در خصوص تصویب آدرس و کد پستی جدید شرکت تعاونی تکاد

**تاریخ انتشار:۹۷/۱۱/۱۸**

**آگهی دعوت مجمع عمومی عادی**

**به طور فوق العاده نوبت دوم**

**شرکت تعاونی تولیدی توزیع یی کارکنان نیروگاه دماوند**

**(تکاد)**

**شناسه ملی ۱۴۰۰۵۲۵۵۹۸۱ شماره ثبت ۲۱۲۱**

بدین وسیله از کلیه اعضای محترم دعوت می‌شود تا در مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده نوبت دوم شرکت تعاونی تولیدی توزیع یی کارکنان نیروگاه دماوند به منظور برسی و اتخاذ تصمیم در خصوص دستور جلسه به شرح ذیل که راس ساعت ۱۰:۳۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۰۱ در محل سال همایش شهدای پاکدشت واقع در یک کیلومتر ۳۵ جاده تهران - گرمسار نیروگاه شهدای پاکدشت (دماوند) تشکیل می‌شود حضور بهم رسانید.



















## از نگاه مقام معظم رهبری ابعاد متعالی شخصیت حضرت زهرا (س)

آنچه در پی می‌آید، بخش‌هایی از سخنان مقام معظم رهبری در دیدار اقبال مختلف مردم، در ایام شهادت حضرت زهرا (علیها السلام) است که در ۲۲ آذر سال ۱۳۶۸ بیان فرمودند.



این ایام، به سیده زنان عالم و بانوی بزرگ تاریخ جهان، فاطمه زهرا (علیها السلام) متعلق است؛ زن نمونه‌ای که حیاتش با همه کوتاهی و عمر او در عین جوانی، الگویی برای همه مردان و زنان غیور و مؤمن و مسلمانان و حتی مردم غیر مسلمانی است که با مقام آن بزرگوار آشنا هستند و ما باید از زندگی آن بزرگوار درس بگیریم. در زندگی زهرا (س) اظهر (سلام الله علیها) نکته‌ای وجود دارد که باید به آن توجه کرد. البته ما به تعریف مقامات معنوی آن بزرگوار وارد نمی‌شویم؛ زیرا قادر به درک و فهم آن مقامات نیستیم. حقیقتاً فقط خداوند است که در اوج قله معنویت انسانی و تکامل بشری، چنین بندگان را - و کسانی که هم‌پراز آنها باشند - می‌شناسد و مقام آنها را می‌بیند.

لذا فاطمه زهرا را امیرالمؤمنین و پدر بزرگوار و اولاد معصومینش می‌شناختند. مردم آن زمان و زمان‌های بعد و ما نیز در این روزگار نمی‌توانیم آن درخشندگی و تالو معنویت را در آن بزرگوار تشخیص بدهیم. نور درخشان معنوی، به چشم همه کس نمی‌آید و چشم‌های نزدیک‌بین و ضعیف ما قادر نیست که آن جلوه درخشان انسانیت را در وجود این بزرگواران ببیند.

بنابراین در مقامات معنوی فاطمه زهرا (علیها السلام) وارد نمی‌شویم. اما در زندگی این بزرگوار، نکته بسیار مهمی وجود دارد و آن اینکه ایشان از یک طرف به عنوان یک زن مسلمان به وظایف خانه‌داری و شوهر‌داری و نگهداری از فرزندان می‌پرداخت و از سوی دیگر به عنوان یک انسان مجاهد غیور خستگی‌ناپذیر، در برخورد با حوادث سیاسی مهم بعد از رحلت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، به مسجد می‌آمد و به سخنرانی و موضع‌گیری و دفاع می‌پرداخت. همچنین ایشان عابد و قیام‌کننده در شب‌های تار و خاضع و خاشع برای پروردگار بود و در محراب عبادت، مانند اولیای کهن الهی، با خدا راز و نیاز می‌کرد.

حضرت فاطمه این سه بعد را با هم جمع کرده بود و هیچگاه از هم جدا نکرد و این نقطه درخشان زندگی ایشان بود. بعضی خیال می‌کنند انسانی که عابد و متضرع و اهل دعا و ذکر است، نمی‌تواند یک انسان سیاسی باشد. یا کسی که اهل سیاست است - چه زن و چه مرد - و در میدان جهاد فی سبیل الله حضور فعال دارد، اگر زن است، نمی‌تواند یک زن خانه‌دار، با وظایف مادری و همسری و کدبانویی باشد و اگر مرد است، نمی‌تواند یک مرد خانه‌دار و دکان و زندگی باشد. آنها تصور می‌کنند این سه وجه باهم منافات دارد؛ در حالی که از نظر اسلام، این سه با یکدیگر منافات و ضدیت ندارد و حتی به تکمیل شخصیت انسان هم کمک می‌کند.

شما باید در محیط کار و زندگی، به وظایف شخصی خود عمل کنید و پیوندهای معمولی اجتماعی را به صورت سالم برقرار نمایید و در عین حال، باید در صحنه سیاست و انقلاب و اموری که نظام اجتماعی از شما می‌خواهد، حضور داشته باشید.

شما باید در راهپیمایی و سازندگی و میدان جنگ و انتخابات و در بیان عقیده سیاسی خود - آن جایی که اظهار عقیده واجب است - حضورتان را حفظ کنید و در تعیین سرنوشت کشور و انقلاب مؤثر باشید. در عین حال، رابطه معنوی و قلبی‌تان را با خدا از طریق عبادت و توجه و ذکر و حضور و معنویت و استمداد از خدا و توکل به او و انجام نوافل و فرایض تقویت کنید. این سه بعد، انسان مسلمان را می‌سازد. اسلام، این را از ما خواسته است و اگر بپرسند این امر چگونه میسر است؟ پاسخ می‌دهیم که ما الگوهایی مثل فاطمه زهرا (سلام الله علیها) داریم.

# سوک یاس

## ضمیمه اطلاعات

پنجشنبه ۱۸ بهمن ۱۳۹۷ - یکم جمادی الثانی ۱۴۳۹  
۷ فوریه ۲۰۱۹ - سال نهم - شماره ۷۷۱۸



طرح: حبیب الله صادقی



## حضرت فاطمه (س) در کلام امام خمینی

جبرئیل بر هر کسی فرود می‌آید و امکان دارد که بیاید. این مسئله یک تناسب لازم دارد بین روح آن کسی که جبرئیل می‌خواهد بر او فرود بیاید و مقام جبرئیل که روح اعظم است.

چه ما قائل بشویم به این که قضیه تنزیل جبرئیل، به واسطه روح اعظم خود این ولی است یا به واسطه پیغمبر است؛ او تنزیل می‌دهد، او را می‌آورد تا مرتبه پایین، یا بگوییم که حق تعالی او را مأمور می‌کند و به او می‌گوید که برو و این مسائل را بگو. حتی درباره ائمه هم ندیده‌ام که جبرئیل این گونه، مکرراً، بر آنها نازل شده باشد. جبرئیل به طور مکرر در این هفتاد و پنج روز بر حضرت زهرا وارد می‌شد و از مسائل آتیه خبر می‌داد.

من این شرافت و فضیلت را از همه فضایی که برای حضرت زهرا ذکر کرده‌اند، بالاتر می‌دانم که جز برای انبیا - علیهم السلام - آن هم فقط طبقه بالای انبیا علیهم السلام و بعضی از اولیایی که در رتبه آنها هستند، برای کسی دیگر حاصل نشده است.

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۵۵ - ۶۴/۱۲/۱۱

من قاصر از این که درباره حضرت صدیقه - علیها السلام - سخنی بگویم و فقط اکتفا می‌کنم به یک روایت از کتاب شریف کافی<sup>(۱)</sup> که با سند معتبر نقل شده است: حضرت صادق - علیه السلام - می‌فرماید: حضرت فاطمه - علیها السلام - بعد از پدرشان هفتاد و پنج روز زنده بودند، حزن و شدت بر ایشان غلبه داشت و جبرئیل امین می‌آمد خدمت ایشان و به ایشان تعزیت عرض می‌کرد و از مسائل آینده خبر می‌داد.

ظاهر روایت این است که در این هفتاد و پنج روز مرادهای در میان بوده است؛ یعنی رفت و آمد جبرئیل زیاد بوده است و گمان ندارم که غیر از طبقه اول از انبیای عظام، درباره کس دیگری این طور وارد شده باشد که در ظرف هفتاد و پنج روز جبرئیل امین رفت و آمد داشته و مسائل آینده را و آنچه به ذریه او می‌رسیده، ذکر کرده و حضرت امیر هم آنها را نوشته، همان طوری که کاتب وحی رسول خدا بوده است.

فرود آمدن جبرئیل مسأله ساده‌ای نیست، گمان نشود که



«صبت علی مصائب لو انها صبت علی الایام صرن لبالیا»

(منصوب به فاطمه علیها سلام) مرگ پدر، مظلوم شدن شوهر، از دست رفتن حق، و بالاتر از همه دگرگونی‌هایی که پس از رسول خدا- به فاصله‌ای اندک- در سنت مسلمانی پدید گردید، روح و سپس جسم دختر پیغمبر را سخت آزرده ساخت، چنان که تاریخ نشان می‌دهد، او پیش از مرگ پدرش بیماری جسمی نداشته است.

نوشته نمی‌گوید، زهرا (ع) در آن وقت بیمار بود! بعضی معاصران نوشته‌اند فاطمه اساساً تنی ضعیف داشته است. نوشته مؤلف کتاب «فاطمه الزهراء» هر چند در بیمار بودن او در چنان روز صراحتی ندارد، لیکن بی‌اشارت نیست. عقاید چنین نویسد: «زهرا لاغر اندام، گندمگون و رنگ پریده بود. پدرش در بیماری مرگ، او را دید و گفت او زودتر از همه کسانم به من می‌پیوندد. هیچیک از این دو نویسنده سند خود را نیاورده‌اند.

ظاهر عبارت عقاید این است که چون پیغمبر (ص) دخترش را ناتندرست و یا کم‌پنیه دید، بدو چنین خبری داد. نمی‌خواهم چون بعض گویندگان قدیم بگویم فاطمه (ع) در هر روزی به قدر یک ماه و در هر ماهی به قدر یک سال دیگران رشد می‌کرد؛ اما تا آنجا که می‌دانم و اسناد نشان می‌دهد، نه ضعیف‌پنیه و نه رنگ پریده و نه مبتلا به بیماری بوده است. بیماری او پس از این حادثه‌ها آغاز شد. وی روزهایی را که پس از مرگ پدر زیست، رنجور، پژمرده و گریان بود. او هرگز رنج جدائی پدر را تحمل نمی‌کرد و برای همین بود که چون خبر مرگ خود را از پدر شنید، لبخند زد. او مردن را بر زیستن بدون پدر، شادی خود می‌دانست.

داستان آنان را که به در خانه او آمدند و می‌خواستند خانه را با هر کس که درون آن است آتش زنند، نوشتیم. چنان که دیدیم سندهای قدیمی چنان واقعه‌ای را ضبط کرده است. خود این پیش آمد به تنهایی برای آزردن او بس است تا چه رسد که رویدادهای دیگر هم بدان افزوده شود. آیا راست است که به‌آزوی دختر پیغمبر را با تازیانه آزرده‌اند؟ آیا می‌خواستند با زور به درون خانه راه یابند و او که پشت در بوده است، صدمه دیده؟ در آن گیر و دارها ممکن است چنین حادثه‌ها رخ داده باشد. اگر درست است، راستی چرا و برای چه این خشونت‌ها را روا داشته‌اند؟ چگونه می‌توان چنین داستان را پذیرفت و چسان آن را تحلیل کرد؟

مسلمانانی که در راه خدا و برای رضای او و حفظ عقیدت خود سخت‌ترین شکنجه‌ها را تحمل کردند، مسلمانانی که از مال خود گذشتند، پیوند خویش را با عزیزترین کسان بریدند، خانمان را رها کردند، به خاطر خدا به کشور بیگانه و یا شهر دور دست هجرت نمودند، سپس در میدان کارزار بارها خود را عرضه‌ی هلاک ساختند، چگونه چنین حادثه‌ها را دیدند و آرام نشستند. راستی گفتار فرزند فاطمه سخنی آموزنده است که: «انجا که آزمایش پیش آید دینداران اندک خواهند بود».

از نخستین روز دعوت پیغمبر تا این تاریخ بیست و سه سال و از تاریخ هجرت تا این روزها ده سال می‌گذشت. در این سالها گروهی دنیاپرست که چاره‌ای جز پذیرفتن مسلمانی نداشتند، خود را در پناه اسلام جای دادند. دسته‌ای از اینان مردمانی تن آسان و ریاست جو و اشراف منش بودند. طبیعت آنان قید و بند دین را نمی‌پذیرفت. اگر مسلمان شدند برای این بود که جز مسلمانی راهی پیش روی خود نمی‌دیدند.

قریش، این تیره سرکش که ریاست مکه و عربستان را از آن خویش می‌دانست، پس از فتح مکه در مقابل قدرتی بزرگ به نام اسلام قرار گرفت. و چون از بیم جان و یا به امید جاه مسلمان شد، می‌کوشید تا این قدرت را

در انحصار خود گیرد. بسیار حقیقت پوشی و یا خوش باوری می‌خواهد که بگوئیم اینان چون یک دو جلسه با پیغمبر نشست و به اصطلاح محدثان لقب صحابی گرفته‌اند، در تقوی و پا بر سر هوی نهادن نیز مسلمانی درست بودند.

از هم‌چشمی و بلکه دشمنی عرب‌های جنوبی و شمالی در سده‌های پیش از اسلام آگاهی‌م. مردم حجاز به مقتضای خوی بیابان نشینی، مردم یثرب را که از تیره قحطانی بودند و به کار کشاورزی اشتغال داشتند، خوار می‌شمردند. قحطانیان یا عرب‌های جنوبی ساکن یثرب، پیغمبر اسلام را از مکه به شهر خود خواندند، بدو ایمان آوردند و با وی پیمان بستند. در نبردهای بدر، احد، احزاب و غزه‌های دیگر با قریش در افتادند و سرانجام شهر

آن کس که یک روز یا چند مجلس یا یک ماه یا یک سال صحبت پیغمبر را دریافت، مشمول حدیثی است که از پیغمبر آورده‌اند: «یاران من چون ستارگانند؛ به دنبال هر یک که رفتید، راه را یافته‌اید».

من بدین کاری ندارم که این حدیث از جهت متن و سند درست است یا نه، این کار را به عهده محدثان می‌گذارم؛ آنچه مسلم است این که در آن روزها یا لا اقل چند سال بعد، اصحاب پیغمبر رو بروی هم قرار گرفتند. چگونه می‌توان گفت هم آنان که به دنبال علی رفتند و هم کسانی که پی طلحه و زبیر و معاویه را گرفتند، راه راست را یافته‌اند؟ خواهند گفت خلیفه و یاران او از نخستین دسته مسلمانان و از طبقه اول مهاجرانند. درست است. اما از خلیفه و یک دو تن

## دختر پیامبر در آستانه ملکوت



دکتر سید جعفر شهیدی

دیگر که بگذریم، پایه حکومت را چه گروهی جز قریش استوار می‌کرد؟ و مجریان حکومت کدام طایفه بودند؟ برای

استقرار حکومت باید قدرت یکپارچه شود. و برای تأمین این قدرت باید هر گونه مخالفتی سرکوب گردد و بسیار طبیعی است که با دگرگونی شرایط، منطق هم دگرگون شود.

### در آستانه ملکوت

«و ان للمنتقین لحسن مآب جنات عدن مفتحة لهم الابواب» (ص ۴۹-۵۰)

دختر پیغمبر چند روز را در بستر بیماری بسر برده؟ درست نمی‌دانیم. چند ماه پس از رحلت پدر زندگانی را بدرد گرفته؟ روشن نیست. کمترین مدت را چهل شب و بیشترین مدت را هشت ماه نوشته‌اند و میان این دو مدت روایت‌های مختلف از دو ماه تا هفتاد و پنج روز، سه ماه، و شش ماه است.

این همه اختلاف و این همه روایت‌های گوناگون چرا؟ از این پیش نوشتیم که در چنان سالها، تاریخ حادثه‌ها از خاطر یکی به ذهن دیگری انتقال می‌یافت. و چه کسی می‌تواند ادعا کند که همه این ناقلان از اشتباه بر کنار بوده‌اند. و این در صورتی است که موجبات دیگر در کار نباشد. اما می‌دانیم که در آن روزهای پر آشوب، از یکسو دسته‌بندی‌های سیاسی هنوز قوت خود را از دست نداده بود، و از سوی دیگر مسلمانان سرگرم جنگ در داخل سرزمین اسلام بودند در چنین شرایط کدام کس پروای ضبط تاریخ درست‌حوادث را داشت؟ بر فرض که هیچ یک از این دو عامل دخالتی در این روی داد نداشته باشند، بدون

شک دسته‌های سیاسی که پس از این تاریخ روی کار آمدند تا آنجا که توانسته‌اند تاریخ حادثه‌ها را دستکاری کرده‌اند.

باری، به نقل مجلسی از دلائل الامامه، در این بیماری بود که دو تن صحابی پیغمبر خواستار دیدار او شدند. اما دختر پیغمبر رخصت این دیدار را نمی‌داد. علی (ع) گفت من پذیرفته‌ام که تو به آنان اجازت ملاقات دهی. فاطمه گفت حال که چنین است، خانه‌خانه تو است. هر چند این سعد نوشته است، ابوبکر چندان با دختر پیغمبر سخن گفت که او را خشنود ساخت اما ظاهراً از این ملاقات نتیجه‌ای که در نظر بود به دست نیامد. دختر پیغمبر به آنان گفت نشنیدید که پدرم فرمود فاطمه پاره تن من است، هر که او را بیازارد مرا آزرده است؟ گفتند چنین است! فاطمه گفت شما مرا آزرديد و من از شما ناخشنودم و آنان از خانه او بیرون رفتند. بخاری در صحیح نویسد: پس از آن که دختر پیغمبر میراث خود را از خلیفه خواست و او گفت از پیغمبر شنیدم که ما میراث نمی‌گذاریم؛ زهرا دیگر با او سخن نگفت تا مرد.

در واپسین روزهای زندگی، اسماء دختر عمیس را که از مهاجران حبشه و از نزدیکان وی بود طلبید. چنان که نوشتیم، اسماء نخست زن جعفر بن ابی طالب بود؛ چون جعفر در نبرد مؤتة شهید شد به ابو بکر بن ابی قحافه شوهر کرد. دختر پیغمبر به اسماء گفت:

— من خوش نمی‌دارم بر جسد زن جامه‌ای بیفکنند و اندام او از زیر جامه نمایان باشد.

— من در حبشه چیزی دیدم، اکنون صورت آن را به تو نشان می‌دهم. سپس چند شاخه‌تر خواست. شاخه‌ها را خم کرد. پارچه‌ای به روی آن کشید. دختر پیغمبر گفت:

— چه چیز خوبی است. نعش زن را از نعش مرد مشخص می‌سازد. چون من مردم، تو مرا بشوی و نگذار کسی نزد جنازه من بیاید.

در آخرین روز زندگانی آبی خواست. بدن خود را نیکو شست و شو داد. جامه‌های نو پوشید و به غرفه خود رفت.

خادمه خویش را گفت تا بستر او را در وسط غرفه بگسترانند. سپس روی به قبله دراز کشید. دست‌ها را بر گونه‌های نهاد و گفت من همین ساعت خواهم مرد. به نقل علمای شیعه، شوهرش علی (ع) او را شست و شو داد. ابن سعد نیز همین روایت را اختیار کرده است. لیکن چنان که نوشتیم، ابن عبد البر گوید دختر پیغمبر اسماء را گفت تا متصدی شست و شوی او باشد. و گویا اسماء در شست و شوی فاطمه (ع) با علی علیه السلام همکاری داشته است.

ابن عبد البر نوشته است چون دختر پیغمبر زندگانی را بدرد گرفت، عایشه خواست به حجره او برود. اسماء طبق وصیت او را راه نداد. عایشه شکایت به پدر برد که:

— این زن خنعمیه میان من و دختر پیغمبر در آمده است و نمی‌گذارد من نزد جسد او بروم. به علاوه برای او حجله‌ای چون حجله عروسان ساخته است. ابو بکر در حجره دختر پیغمبر آمد و گفت:

— اسماء، چرا نمی‌گذاری زنان پیغمبر نزد دختر او بروند؟ چرا برای دختر پیغمبر حجله ساخته‌ای؟

— زهرا به من وصیت کرده است کسی بر او داخل نشود. چیزی را که برای نعش او ساخته‌ام، وقتی زنده بود به او نشان دادم و به من دستور داد مانند آن را برایش بسازم.

— حال که چنین است، هر چه به تو گفته، چنان کن.

ابن عبد البر نوشته است نخستین کس از زنان که در اسلام برای او بدین سان نعش ساختند، فاطمه (ع) دختر پیغمبر (ص) بود. سپس مانند آن را برای زینب بنت جحش (زن پیغمبر) آماده کردند.





## شخصیت حضرت زهرا (س) در اندیشه شهید مطهری



وجود مقدس حضرت فاطمه زهرا (س) یکی از درخشان ترین چهره های والای انسانی و نمونه کامل خلقت پروردگار در قالب زن است. پیروی و تأسی به چنین شاهکار آفرینش در بر گیرنده سعادت و رستگاری در دنیا و آخرت است.

حضرت زهرا (س) از نظر زندگی مادی؛ بشری چون دیگران است، اما از جنبه معنوی به آنجا رسید که شناخت تمامی ابعاد شخصیتی آن حضرت بسی دشوار و دستیابی به همه جوانب آن مشکل بسیار است.

مقامی که آن بزرگوار در اثر بندگی خدا و شناخت و معرفت حضرت حق به دست آورد؛ مقامی پس بزرگ و فضایل او بی شمار است و همین حقیقت است که امام صادق (ع) فرمود: «فاطمه همان شب قدر است، هر کسی فاطمه را آن چنان که باید بشناسد، به حقیقت شب قدر را درک کرده است. علت نامگذاری آن حضرت به «فاطمه» آن است که خلائق از کنه معرفت وی بریده شدند.» (بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۶۵)

این نوشتار با توجه به همزمانی ایام فاطمیه با شهادت استاد مطهری به بررسی گوشه هایی از شخصیت زهرا (س) مرضیه در آثار و اندیشه این متفکر بزرگ می پردازد. متفکری که به گفته سلاله فاطمه زهرا (س) خمینی کبیر، قلمی روان و فکری توانا در تحلیل مسائل اسلامی داشت و در سیره معصومان صاحب نظر بود.

### تکریم فاطمه (س) در قرآن

در سوره مبارکه دهر برای اهل بهشت و ابرار انواع نعمت ها غیر از نعمت حورالعین اسم برده شد. در اینجا این سؤال مطرح می شود که چرا در این سوره از حورالعین نامی نمی برد؟ این سؤالی است که مفسران - حتی مفسران اهل تسنن - مطرح کرده اند. در تفسیر المیزان نکته ای را از تفسیر ابوالسعود نقل می کند و معلوم نیست که او اولین بار این نکته را ذکر کرده است یا خیر؟ و نیز او متوجه شده که این نکته در روایات هم هست و در میان اهل سنت شاید اول کس او متوجه شد چرا در این آیات نامی از حورالعین برده نشده است؟ می گوید برای این که قبلاً سخن ابرار بود و این آیه شأن نزول فاطمه و حسن و حسین (ع) است، چون در اینجا نام فاطمه بوده است، خداوند اکرام الفاطمه، اسمی از حورالعین نبرده است. (شهید مطهری، آشنایی با قرآن، ج ۱۱، ص ۷۹، المیزان ج ۲۰، ص ۲۱۰)

### مقام حضرت زهرا (س)

در تاریخ اسلام، زنان قدیسه و عالی قدر فراوانند. کمتر مردی است به پایه خدیجه برسد، و هیچ مردی جز پیغمبر و علی (ع) به پایه حضرت زهرا (س) نمی رسد. حضرت زهرا (س) بر فرزندان خود که امامند و بر پیغمبران غیر از خاتم الانبیاء برتری دارد. اسلام

در سیر من الخلق الی الحق، یعنی در حرکت به سوی خدا هیچ تفاوتی میان زن و مرد قائل نیست. تفاوتی که اسلام قائل است در سیر من الحق الی الخلق است، در بازگشت از حق به سوی مردم و تحمل مسئولیت پیغمبری است که مرد را برای این کار مناسب تر دانسته است. (نظام حقوق زن در اسلام، ص ۱۱۹)

### زهرا مصداق آیه تطهیر

در آیه تطهیر می خوانیم: خدا چنین اراده کرده است و می کند که از شما اهل بیت، پلیدی را زایل کند، پاک و منزهتان بدارد و «یظہرکم تطهیر». شما را به نوع خاصی تطهیر و پاکیزه کند. تطهیری که خدا ذکر کرده، و آن تطهیر عرفی و طبی نیست که منظور این باشد که بیماری ها را از شما زایل کرده و میکروب ها را از بدن شما بیرون می کند. البته اینها هم مصداق تطهیر هستند، ولی مسلم تطهیری که این آیه بیان می کند، در درجه اول از آن چیزهایی است که خود قرآن آنها را رجس می داند. رجس در قرآن یعنی هر چه که قرآن از آن نهی می کند، هر چه که گناه شمرده می شود. می خواهد گناه اعتقادی باشد یا گناه اخلاقی و یا گناه عملی. اینها رجس و پلیدی است. این است که می گویند مفاد این آیه، عصمت اهل بیت یعنی منزّه بودن آنها از هر نوع آلودگی است.

فرض کنید ما نه از شیعه و نه از اهل سنت هستیم، یک مستشرق مسیحی که از دنیای مسیحیت آمده و می خواهد ببیند کتاب مسلمین چه می خواهد بگوید: این جمله را در قرآن دیده و بعد به سراغ تاریخ و سنت و حدیث مسلمان ها می رود، می بیند نه تنها آن فرقه ای که شیعه نامیده می شوند و طرفدار اهل بیت

و کلمه هم فسی ذات عقولهم» (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۲) یعنی: «همیشه در دنیا افرادی هستند که خداوند در باطن ضمیرشان با آن ها حرف می زند.» حضرت زهرا این جور بود با آن که پیامبر هم نبود. (خاتمیت، ص ۳۹)

### زهرا، عالی ترین مدل انسانیت

اهل بیت پیغمبر (ص) انسان های ساخته شده هستند؛ انسان های ساخته شده مطابق عالی ترین مدل انسانیت. آن مدلی که خدای انسان برای انسان معین کرده است. پیغمبر (ص) فرمود: «انا ادیب الله و علی ادیبی» (بحار، ج ۱۶، ص ۲۳۱) من تربیت شده خدا هستم و علی (ع) تربیت شده من است. علی (ع) یعنی یک انسان نمونه، یک انسان کامل؛ زهرا (س) یعنی یک انسان نمونه، یک انسان کامل. علی (ع) انسانی است که سخن او، رفتار و کردار او، نمونه و درس است و زهرا (س) همچنین. (آشنایی با قرآن، ج ۷، ص ۵۶)

### حقیقت کوثر

قرآن درباره حضرت صدیقه طاهره می فرماید: «انا اعطیناک الکوثر»، کلمه ای بالاتر از کوثر نیست. در دنیایی که زن را شر مطلق و عنصر فریب و گناه می دانستند، قرآن می گوید: فاطمه نه تنها خیر است بلکه کوثر است؛ یعنی خیر وسیع، یک دنیا خیر. (حماسه حسینی، ج ۱، ص ۲۳۷). آیه «انا اعطیناک الکوثر» مخصوصاً به قرینه «ان شاتک هو الابتر» اشاره به کثرت ذریه است. البته تنها کثرت ذریه، کوثر و خیر کثیر نیست؛ طیب بودن و صالح بودن و مصلح بودن و ستون فقره اسلام بودن نیز در این امر دخالت دارد. پس تنها نظر به کمیت نیست، کیفیت هم در نظر است.

عملاً معلوم شد که نسل پیغمبر که از بطن زهراست واقعاً کوثر است؛ یعنی خود زهرا کوثر است، از زهرا کما و کیفاً خیرات کثیر ظاهر شد. حضرت زهرا (س) به حسب ظاهر در ۱۸ سالگی از دنیا رفت. در زمان حیاتش به خاطر این که تحت شخصیت و عظمت رسول خدا (ص) و امیرالمومنین (ع) بود، بروز زیادی نداشت و ادب هم همین را اقتضا می کرد، ولی به حکم مثل معروف «ای بسا شاعر که بعد از مرگ زاده» زهرا (س) بعد از مرگش به وسیله ذریه پاکش زنده شد، خون پاک و پرجوش زهرا (س) در رگ فرزندان اش اثر کرد.

در میان قریش، هاشمیان و در میان هاشمیان، علویان و در میان علویان، فاطمیان ممتازند. ستون فقرات اسلام بنی فاطمه اند. ائمه، علما، حکما، سیاسیون، شعرا، انقلابیون و نهضت کنندگان، آمران به معروف و ناهیان از منکر و بالاخره مصلحین از میان اینها برخاسته اند. این است سر خمس که نسب سادات، ممتاز و مشخص باشد و این است سر «قل لا استلکم علیه اجرا الا المودة فی القربی» (شوری/۴۲) و این است سر این که پیامبر (ص) ۴۰ روز خود را با ریاضت تصفیه می کند تا نطفه زهرا (س) منعقد شود. نسل زنده این است که در قرن سیزدهم و چهاردهم افرادی مثل میرزای شیرازی پیدا می شوند و گوهر خود را با تحریم تنباکو ظاهر می کنند و یا افرادی مثل سیدجمال الدین اسدآبادی پیدا می شوند و نهضت های اسلامی را پایه گذاری می کنند. خون فاطمی در رگ های سیدجمال الدین می جوشد. (یادداشت های استاد، ج ۹، ص ۳۰۳)

کسی که در دامان زهرا بزرگ شده و شیر آن را خورده، تن به ذلت نمی دهد. حسین (ع) در روز عاشورا فرمود: «هیئات منا الذلة» ما تن به ذلت نمی دهیم. ما کجا و ذلت کجا؟ ما خدا را می پرستیم، و خدایی که ما می پرستیم نمی پذیرد که ما تن به ذلت بدهیم.

پیامبر آن خدا نمی پسندد که ما تن به ذلت بدهیم. بعد می فرماید: آیا آن دامنی که حسین در آن دامن بزرگ شده است، آن پستانانی که حسین از آن پستان شیر خورده، اجازه می دهد حسین تن به ذلت بدهد؟ پس من جواب پدرم علی را چه بدهم؟ جواب مادرم زهرا (س) را چه بدهم؟ گویی مادرم اینجا حاضر است و به من می گوید: حسین! تو از پستان من شیر خورده ای؛ و آن که از پستان من شیر خورده، تن به ذلت نمی دهد. (انسان کامل، ص ۲۴۰)

در جنگ جمل، امیرالمؤمنین علی (ع) پرچم را به پسرش محمدبن حنفیه می دهد و امام حسین (ع) هم در این جنگ حاضر بوده است. می گوید پسر حمله کن. او باید جلو برود و دیگران مثل مالک اشتر پشت سرش حرکت کنند. دشمن تیراندازی می کند. محمد می ایستد تا تیرباران کمتر بشود بعد برود.

علی می آید در حالی که غضب کرده و خیلی خلاف انتظارش شده است. محکم به سینه محمدبن حنفیه می زند و می فرماید: «اخذتک عرق امک؛ رگ مادریت گرفتم؟ (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۱ ص ۳۲۱) در حالی که تو پسر علی هستی! پرچم را از او گرفت و تنها حمله کرد و امام حسین (ع) در روز عاشورا فرمود: من اگر بخوام تسلیم شوم پدرم علی نمی پسندد. ما در دامن علی و فاطمه بزرگ شده ایم. (۱۰ گفتار ص ۲۲۲)



## فضایل حضرت زهرا

پیامبر فرمود: «بهترین زنان عالم چهار نفرند: مریم دختر عمران، فاطمه دختر محمد، خدیجه دختر خویلد، و آسیه دختر فرعون»

نیز فرمود: «فاطمه از بهترین زنان بهشت است.»

رسول اکرم در حالی که دست فاطمه را در دست داشت فرمود: «هر کس این را می شناسد که می شناسد و هر کسی که نمی شناسد، این فاطمه دختر محمد و پاره تن و روح من است. هر کس او را اذیت کند، مرا اذیت کرده و هر کس مرا اذیت کند، خدا را اذیت کرده است.»

ام سلمه گوید: «فاطمه شبیه ترین مردم به رسول خدا بود.»

روزی علی (علیه السلام) از پیامبر سوال کرد: من نزد شما محبوبترم یا فاطمه، رسول خدا فرمود: «انت اعز منها و هی احب منک». ابو سعید خدری می گوید: یک روز علی بن ابیطالب سخت گرسنه بود. به فاطمه گفت: «نزد تو غذایی هست که به من بدهی، عرض کرد: نه، سوگند به خدایی که پدرم را به نبوت و تو را به وصایت گرمی داشت، هیچ چیز نزد من نیست. دو روز است که هیچ طعامی نداشته ایم، جز غذای مختصری که به تو دادم و تو را بر خود و این دو پسر (حسن و حسین) مقدم داشتم.

علی فرمود: «چرا مرا آگاه نکردی تا چیزی برایتان تهیه کنم؟» عرض کرد: ای ابوالحسن! من از خدا شرم می کنم چیزی که توانایی آن را نداری، از تو بخواهم. علی (علیه السلام) از نزد فاطمه با اعتماد و تسوکل به خداوند بیرون آمد و یک دینار قرض کرد. در حالی که تصمیم داشت برای خانواده خود چیزی تهیه کند، با «مقداد بن اسود» برخورد کرد. این جریان در روزی بسیار گرم بود، به طوری که آفتاب روی سر را می سوزاند و زمین در زیر پا داغ بود و آزار می داد. علی چون مقدار را بسیار ناراحت دید و ناخشنود یافت فرمود: چه موضوعی در چنین وقتی تو را از خانه و خانواده ات بیرون آورده است؟ مقدار عرض کرد: ای ابوالحسن، مرا واگذار و از من سؤال مکن! فرمود: ای برادر! این غیر ممکن است. تا از وضع تو آگاه نشوم، نمی گذارم بروی.

عرض کرد: برادر، به خاطر خدا دست از من بردار و از حالم مپرس. فرمود: برادر، ممکن نیست. حال خود را از من پنهان مکن. عرض کرد: ای ابوالحسن، اینکه که اصرار داری و قبول نمی کنی می گویم. به خدایی که محمد را به نبوت و تو را به وصایت گرمی داشت، مرا جز تلاش برای یافتن چیزی از خانه بیرون نیاورد. از پهلوی خانواده ام آمدم در حالی که همه گرسنه بودند و گریه اهل و عیال را نتوانستم تحمل کنم. غمگین و تنها بیرون آمدم. داستان من این است.

علی به طوری گریست که اشک به محاسن مبارک او رسید و فرمود: به آنچه سوگند یاد کردی، سوگند یاد می کنم، مرا هم همان چیزی از خانه بیرون آورد که تو را به کوچک کشید. اینکه دیناری قرض کرده ام و تو را بر خود مقدم می دارم. دینار را به او داد و خود به مسجد پیامبر رفت و نماز ظهر و عصر و مغرب را در مسجد خواند.

وقتی رسول خدا نماز مغرب را تمام کرد، از کنار علی (علیه السلام) عبور کرد و او را که در صف اول قرار داشت دید. به او اشاره کرد، علی برخاست و دنبال پیامبر روانه شد و جلوی یکی از درهای مسجد به او رسید. سلام کرد، پیامبر جواب سلام را داد و فرمود: ای ابوالحسن، آیا نزد تو چیزی برای شام هست که همراه تو بیایم؟ علی سر به زیر افکند و ساکت ماند و از خجالت در مقابل پیامبر متحیر بود که چه جوابی بدهد.

پیامبر جریان دینار را و این که از کجا تهیه کرده و به چه کسی داده بود می دانست. خداوند به پیامبر وحی فرموده بود که آن شب را نزد علی باش. پیامبر چون سکوت علی را دید فرمود: ای ابوالحسن، یا بگو «نه» تا برگردم یا «بلی» تا همراه تو بیایم. علی از روی شرم و به جهت احترام عرض کرد: بفرمایید، در خدمت شما هستم. پیامبر دست علی را گرفت و آمدند تا بر فاطمه وارد شدند. آن بانوی گرامی در محراب نماز بود و نماز را به اتمام رسانده بود. پشت سر او دیگی قرار داشت که بخار از آن متصاعد بود.

فاطمه چون صدای پیامبر را شنید، از محراب خارج شده و بر پدر سلام کرد. فاطمه عزیزترین فرد نزد پیامبر بود. حضرت جواب سلام او را داده و دست مبارک را بر سر او کشید و نوازش فرمود و پرسید: دخترم، چگونه روز را شب آوردی؟ خداوند بر تو رحمت آورد، به ما شام بده. خداوند تو را بیمارزد و همانا آمرزیده است. فاطمه دیگ غذا را برداشت و نزد پیامبر و علی آورد. علی چون غذا را دید و بوی دلپذیر آن را استشمام نمود، نگاهی به فاطمه کرد. فاطمه عرض کرد: سبحان الله، چرا این گونه به من نگاه می کنی؟ آیا خلافی انجام داده ام که مستوجب این نگاه باشم؟ علی فرمود: چگونه متعجب نباشم. روز گذشته سوگند یاد کردی که دو روز است غذایی نیافته ای.

فاطمه به آسمان نگاه کرد و گفت: خدای من در آسمان و زمین آگاه است که به حق گفتم. فرمود: ای فاطمه، این غذا از کجا رسیده که نه رنگ آن را دیده و نه چنین رائحه دلپذیری بوییده ام و بهتر از آن نخورده ام. رسول خدا دست مبارکش را به شانه علی نهاد و اشاره ای کرد و فرمود: ای علی، این عوض دینار تو و پاداش دینار تو از طرف خداوند است. خداوند به هر کسی که بخواهد، روزی بدون

توانست بهترین زندگی و لباس را داشته باشد اما می بینم برای سد جوع مجبور می شود لباس کهنه خود را گرو بگذارد و به پاداش گذشت از ظواهر دنیوی، خداوند چنان برکتی به این لباس می دهد که به وسیله آن هشتاد یهودی مسلمان می شوند. این زندگی باید درسی باشد برای زنان مسلمان جهان که ارزش واقعی خود را در یابند و شخصیت وجودی خود را برتری دهند و به ظواهر دنیا مشغول نشوند. اگر چنین کنند به همان نسبت از معنویت فاصله می گیرند.

نافع بن ابی الحمرآ می گوید: هشت ماه پیامبر را می دیدم که هر روز هنگامی که برای نماز صبح بیرون می آمد، به در خانه فاطمه می رفت و می فرمود: سلام بر شما ای اهل بیت، وقت نماز است. همانا خداوند اراده فرموده که از شما اهل بیت را از هر گونه ناپاکی دور نموده و پاکتان سازد.

رسول اکرم برای



دکتر زهرا مصطفوی (خمینی)

## کمالات حضرت زهرا (س)



حساب می دهد. آنگاه پیامبر گریست و فرمود: سیاست خدای را که شما را پیش از آن که از دنیا ببرد، پاداش بخشید و تو را ای علی، همانند زکریا و فاطمه را همچون مریم دختر عمران قرار داد که هرگاه زکریا به محراب عبادت مریم وارد می شد، نزد او رزق و طعام می یافت. بی علت نیست که پیامبر فرمود: «لو لا علی لم یکن لفاطمه کفو؛ اگر علی نبود کفو و هم شانی برای فاطمه وجود نداشت.»

## ماجرای دیگر

در یکی از روزها زهرا و فرزندانش و علی (علیهما السلام) از شدت گرسنگی توان نداشتند و چیزی در منزل یافت نمی شد، تا سد جوع کنند. زهرا (علیها السلام) لباس خود را نزد زن یهودی گرد گذاشت و مقداری جو گرفت. به خانه آورده، آرد کرد و نان تهیه نمود. همسر یهودی که به خانه آمد پرسید: در خانه این نور چیست، زن گفت: نور لباس فاطمه است. مرد در همان حال مسلمان شد و زن او هم مسلمان گردید و همسایه ها و هشتاد نفر از آشنایان آمدند تا این منظره را دیدند مسلمان شدند.

وجود حضرت زهرا والاتر از این است که برای لباس و ظواهر اهمیت و ارزشی قائل شود. آن بانوی گرامی تفاوتی بین لباس نو و کهنه قائل نبود. ایشان از نظر اجتماعی بالاترین موقعیت را دارا بود. دختر رسول گرامی اسلام برترین شخصیت در جزیره العرب بود. از طرفی همسر علی (علیه السلام) بود که وصی و جانشین پیامبر بود سپهسالار لشکر او بود. علاوه بر آن سرمایه فداک را در اختیار داشت که ثروت عظیمی بود. او می

بهتر است؟ جملگی نتوانستیم جواب قانع کننده ای بدهیم. متفرق شدیم. من نزد فاطمه آمدم و سؤالی را که پیامبر از ما پرسیده و احدی از ما نتوانسته بود جواب دهد، برای فاطمه تعریف کردم. او گفت: من می دانم. بهترین کار برای زنان آن است که نه مردان آنها را ببینند و نه آنها مردان را ببینند.

من برگشتم پیش رسول خدا و گفتم: سؤال کردید چه چیزی برای زنان بهتر است. برای زنان بهتر است که نه مردان آنها را ببینند و نه آنها مردان را ببینند. رسول خدا فرمود: چه کسی به تو یاد داد، تو پیش من بودی و نمی دانستی. گفتم: فاطمه، رسول خدا متعجب شد و گفت: «فاطمه بضعه منی»

عایشه می گوید: فاطمه در سخن گفتن شبیه ترین مردم به رسول خدا بود. وقتی وارد بر پیامبر می شد، آن حضرت دست او را می گرفت و می بوسید و به جای خودش می نشانید. هر زمان که رسول خدا بر فاطمه وارد می شد، او به احترام پدر بلند می شد و دست حضرت را می بوسید و در جای خودش می نشانید.

روزی یکی از همسران رسول الله پیامبر را دید که فاطمه را می بوسید. عرض کرد: یا رسول الله، آیا او را می بوسی، در حالی که شوهر دارد. پیامبر پاسخ داد: اگر می دانستی چقدر فاطمه را دوست دارم، محبت تو هم به او زیادت می شد. فاطمه حوریه ای است به صورت انسان. هر وقت مشتاق بهشت می شوم، او را می بوسم.

امام مجتبی (علیه السلام) نقل فرموده اند که: مادرم فاطمه را دیدم شب جمعه در محراب به عبادت برخاسته است. تا سرزدن سپیده صبح در عبادت و رکوع و سجود بود و می شنیدم که برای مومنان و مؤمنات دعا می فرمود و آنان را نام می برد و برای آنها دعا می کرد، اما هیچ داعی برای خودش نمی نمود. به او گفتم: مادر! چرا همانطور که برای دیگران دعا می نمای، برای خودت دعا نمی کنی، فرمود: پسرم ابتدا همسایه، سپس خانه.

## همراهی اهل بیت با پیامبر (ص)

حضرت زهرا دختر شایسته رسول خدا بود و حضرت مقام شامخ فرزندش را به خوبی می شناخت.

پیامبر می دانست که فاطمه (علیها سلام) مادر امامان و پیشوایان دین است. زهرا مرثیه معصوم از هر گناهی بود و کسی جز رسول الله و علی (علیه السلام) نمی توانست مقام والای او را درک کند. رسول خدا می دانست که نور فاطمه روشنی بخش فرشتگان آسمان است و جز زهرا زنی شایستگی چنین مقام بزرگی را ندارد. حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) به سبب مقام نبوت و رهبری الهی دارای شخصیت خاص می باشد. رسول خدا در زمان رهبری الهی خود سعی می کرد که در تحمل سختی ها با مسلمانان شریک باشد. خوراک و پوشاک و لوازم زندگی و مسکن او در حد متوسط بلکه در سطح فقرا بود. در رعایت اخلاق اسلامی چنان بود که خداوند متعال درباره اش می فرماید: «انک لعلى خلق عظیم» و به همین جهت در قلوب مسلمانان جای داشت و رهنمودهای او را به جان و دل می خریدند.

روشن است که اجرای چنین برنامه ای بدون همکاری زن و فرزند ممکن نیست. اگر خانواده همکاری و همراهی با مرد صاحب خانه داشته باشند، او می تواند به تعهدات خود عمل نماید. اگر همکاری نباشد، عمل به چنین برنامه ای بسیار مشکل است و حتی می توان گفت میسر نمی باشد. پیامبر بدین برنامه عمل می نمود و به خانواده خود چنین مسئولیت سنگینی را تفهیم می کرد که همراهی آنها برای رسیدن به هدف ضروری است.

قرآن به پیامبر خطاب می نماید که: یا ایها النبی قل لازواجک ان کتن تردن الحیوه الدنیا و زیتنها فتعالین امتعن و اسرحکن سراجا جمیلا و ان کتن تردن الله و رسوله والدار الاخره فان الله اعد للمحسنات منکن اجرا عظیما؛ ای پیامبر! به خانواده ات بگو اگر شما طالب زندگی مرفه و زر و زیور دنیا هستید، بیایید تا مهر شما را بدهم و به خوبی آزادتان سازم و اگر طالب خدا و رسول و سرای آخرت هستید (بدانید که) خدا برای شما پاداش بسیار بزرگی فراهم ساخته است.

\*با مقداری تلخیص و با تشکر از خانم فاطمه جعفری



عشق‌ها و عاطفه‌ها و ایمان‌های شگفت زنان و مردانی که در طول تاریخ اسلام برای آزادی و عدالت می‌جنگیدند، در توالی قسرون، پرورش می‌یافت و در زیر تازیانه‌های بی‌رحم و خونین خلافت‌های جور و حکومت‌های بیداد و غصب، رشد می‌یافت و همه دلهای مجروح را لبریز می‌ساخت. این است که همه جا در تاریخ ملت‌های مسلمان و توده‌های محروم در امت اسلامی، فاطمه منبع الهام آزادی و حق‌خواهی و عدالت‌طلبی و مبارزه با ستم و قساوت و تبعیض بوده است. از شخصیت فاطمه سخن گفتن بسیار دشوار است. فاطمه، یک «زن» بود، آن چنان که اسلام می‌خواهد که زن باشد.

تصویر سیمای او را پیامبر خود رسم کرده بود و او را در کوره‌های سختی و فقر و مبارزه و آموزش‌های عمیق و شگفت انسانی خویش پرورده و ناب ساخته بود.

وی در همه ابعاد گوناگون زن بودن، نمونه شده بود.

مظهر یک دختر، در برابر پدرش.

مظهر یک همسر در برابر شویش.

مظهر یک مادر در برابر فرزندان‌اش.

مظهر یک «زن مبارز و مسئول» در برابر زمانش و سرنوشت جامعه‌اش.

وی خود یک «امام» است؛ یعنی یک نمونه مثالی،

یک تیپ ایده‌آل برای زن، یک «اسوه»، یک شاهد برای

هر زنی که می‌خواهد «شدن خویش» را خود انتخاب کند.

او با طفولیت شگفتش، با مبارزه مداومش در دو جبهه خارجی و

داخلی، در خانه پدرش، خانه همسرش، در جامعه‌اش، در اندیشه

و رفتار و زندگی‌اش، «چگونه بودن» را به زن پاسخ می‌داد.

نمی‌دانم چه بگویم؟ بسیار گفتم و بسیار ناگفته ماند.

در میان همه جلوه‌های خیره‌کننده روح بزرگ فاطمه، آنچه

بیشتر از همه برای من شگفت‌انگیز است این است که فاطمه

همسفر و همگام و هم پرواز روح عظیم علی است.

او در کنار علی، تنها یک همسر نبود، که علی پس از او

همسرانی دیگر نیز داشت. علی در او به دیده یک دوست،

یک آشنای دردها و آرمان‌های بزرگش می‌نگریست و

انیس خلوت بیکرانه و اسرارآمیزش و همدم تنهایی‌هایش.

این است که علی هم او را به گونه دیگری می‌نگرد و هم فرزندان او را.

پس از فاطمه، علی همسرانی می‌گیرد و از آنان فرزندان

می‌یابد. اما از همان آغاز، فرزندان خویش را که از فاطمه بودند

با فرزندان دیگرش جدا می‌کند. اینان را «بنی‌علی» می‌خواند و

آنان را «بنی‌فاطمه».

شگفتا، در برابر پدر، آن هم علی، نسبت فرزند به مادر و

پیغمبر نیز دیدیم که او را به گونه دیگر می‌بیند. از همه دخترانش

تنها به او سخت می‌گیرد، از همه تنها به او تکیه می‌کند. او

را - در خردسالی - مخاطب دعوت بزرگ خویش می‌گیرد.

نمی‌دانم از او چه بگویم؟ چگونه بگویم؟

خواستم از «بوسه» تقلید کنم، خطیب نامور فرانسه که روزی در

مجلسی با حضور لویی، از «مریم» سخن می‌گفت. گفت: هزار و

هفتصد سال است که همه سخنوران عالم درباره مریم داد سخن داده‌اند.

هزار و هفتصد سال است که همه فیلسوفان و متفکران

ملت‌ها در شرق و غرب، ارزش‌های مریم را بیان کرده‌اند.

هزار و هفتصد سال است که شاعران جهان در ستایش

مریم، همه ذوق و قدرت خلاقه‌شان را به کار گرفته‌اند.

هزار و هفتصد سال است که همه هنرمندان، چهره‌نگاران،

پیکرسانان بشر، در نشان دادن سیما و حالات مریم هنرمندی‌های

اعجاز‌گر کرده‌اند.

اما مجموعه گفته‌ها و اندیشه‌ها و کوشش‌ها و هنرمندی‌های

همه در طول این قرن‌های بسیار، به اندازه این کلمه نتوانسته‌اند

عظمت‌های مریم را بازگویند که: «مریم (س)، مادر عیسی (ع) است.»

و من خواستم با چنین شیوه‌ای از فاطمه بگویم. باز درماندم.

خواستم بگویم، فاطمه دختر خدیجه بزرگ است.

دیدم فاطمه نیست.

خواستم بگویم که فاطمه دختر محمد است.

دیدم که فاطمه نیست.

خواستم بگویم که فاطمه همسر علی است.

دیدم که فاطمه نیست.

خواستم بگویم که فاطمه مادر حسین است.

دیدم که فاطمه نیست.

خواستم بگویم، که فاطمه مادر زینب است.

باز دیدم که فاطمه نیست.

نه، اینها همه هست و این همه فاطمه نیست.

فاطمه، فاطمه است.

فاطمه، فاطمه است.

فاطمه، فاطمه است.

فاطمه، فاطمه است.

فاطمه، فاطمه است.

فاطمه، فاطمه است.

فاطمه، فاطمه است.



## فاطمه (س)؛ منبع الهام آزادی و حق‌خواهی

....و اینک لحظه وداع با علی (ع)!

چه دشوار است. اکنون علی باید در دنیا بماند. سی سال دیگر! فرستاد «ام رافع» بیاید. وی خدمتکار پیغمبر (ص) بود. از او خواست که:

— ای کنیز خدا، بر من آب بریز تا خود را شست و شو دهم. با دقت و آرامش شگفتی، غسل کرد و سپس جامه‌های نویی را که پس از مرگ پدر کنار افکنده بود و سیاه پوشیده بود، پوشید. گویی از عزای پدر بیرون آمده است و اکنون به دیدار او می‌رود.

به ام رافع گفت: — بستر مرا در وسط اتاق بگستران. آرام و سبکبار بر بستر خفت، رو به قبله کرد، در انتظار ماند. لحظه‌ای گذشت و لحظاتی ... ناگهان از خانه شیون برخاست.

پلک‌هایش را فرو بست و چشم‌هایش را به روی محبوبش — که در انتظار او بود — گشود. شمع‌ی از آتش و رنج، در خانه علی خاموش شد و علی تنها ماند. با کودکانش. از علی خواسته بود تا او را شب دفن کند، گورش را کسی نشناسد و ... و علی چنین کرد.

اما کسی نمی‌داند که چگونه؟ و هنوز نمی‌داند کجا؟ در خانه‌اش؟ یا در بقیع؟ معلوم نیست. و کجای بقیع؟ معلوم نیست. آنچه معلوم است، رنج علی است، امشب، بر گور فاطمه.

مدینه در دهان شب فرو رفته است. مسلمانان همه خفته‌اند. سکوت مرموز شب گوش به گفت‌وگوی آرام علی دارد. و علی که سخت تنها مانده است، هم در شهر و هم در خانه، بی‌پیغمبر، بی‌فاطمه، همچون کوهی از درد، بر سر خاک فاطمه نشسته است.

ساعت‌هاست. شب — خاموش و غمگین — زمزمه درد او را گوش می‌دهد. بقیع آرام و خوشبخت و مدینه بی‌وفا و بدبخت، سکوت کرده‌اند، قبرهای بیدار و خانه‌های خفته می‌شنوند. نسیم نیمه شب، کلماتی را که به سختی از جان علی برمی‌آید، از سر گور فاطمه به خانه خاموش پیغمبر می‌برد. — بر تو، از من و از دخترت که در جوارت فرود آمد و به شتاب به تو پیوست، سلام ای رسول خدا.

از سرگذشت عزیز تو — ای رسول خدا — شکیبایی من کاست و چالاک‌ی من به ضعف گرایید. اما، در پی سهمگینی فراق تو و سختی مصیبت تو، مرا اکنون جای شکیب هست. من تو را در شکافته گورت خواباندم و در میانه حلقوم و سینه من جان دادی، «انا لله و انا الیه راجعون».

ودعیه را بازگرداندند و گروگان را بگرفتند، اما اندوه من ابدی است و اما شمیم بی‌خواب، تسآ آنگاه که خدا خانه‌ای را که تو در آن نشیمن داری، برایم برگزیند. هم‌اکنون دخترت تو را خبر خواهد کرد که قوم تو بر ستمکاری در حق او همدانستان شدند. به اصرار از او همه چیز را بپرس و سرگذشت را از او خبر گیر.

اینها همه شد، با این که از عهد تو دیری نگذشته است و یاد تو از خاطر نرفته است. بر هر دوی شما سلام. سلام وداع کننده‌ای که نه خشمگین است، نه ملول.

\*\*\*

لحظه‌ای سکوت نمود، خستگی یک عمر رنج را ناگهان در جان‌اش احساس کرد. گویی با هر یک از این کلمات، که از عمق جان‌اش کنده می‌شد، قطعه‌ای از هستی‌اش را از دست داده است.

درمانده و بیچاره بر جا مانده؛ نمی‌دانست چه کند؛ بماند؟ باز گردد؟ چگونه فاطمه را، اینجا، تنها بگذارد؟ چگونه تنها به خانه برگردد؟ شهری، گویی دیوی است که در ظلمت زشت شب کمین کرده است. با هزاران توطئه و خیانت و بی‌شرمی، انتظار او را می‌کشد. و چگونه بماند؟ کودکان؟ مردم؟ حقیقت؟ مسئولیت‌هایی که تنها چشم به راه اویند و رسالت سنگینی که بر آن پیمان بسته است؟

در چند ثانیه سهمگین است که روح توانای او را بیچاره کرده است. نمی‌تواند تصمیم بگیرد. تردید جان‌اش را آزار می‌دهد؛ برود؟ بماند؟ احساس می‌کند که از هر دو کار عاجز است. نمی‌داند که چه خواهد کرد؟ به فاطمه توضیح می‌دهد: «اگر از پیش تو بروم، نه از آن روست که از ماندن نزد تو ملول گشته‌ام، و اگر همین جا ماندم، نه از آن روست که به وعده‌ای که خدا به مردم صبور داده است، بدگمان شده‌ام.»

آنگاه برخاست، ایستاد، به خانه پیغمبر رو کرد، با حالتی که در احساس نمی‌کنجد، گویی می‌خواست به او بگوید که این «ودیعه عزیز»ی را که به من سپرده‌ای، اکنون به سوی تو بازمی‌گردانم. سخنش را بشنو. از او بخواه، به اصرار بخواه تا برای همه چیز را بگوید. تا آنچه را پس از تو دید، یکایک برای برشمارد.

فاطمه این چنین زیست و این چنین مرد و پس از مرگش زندگی دیگری را در تاریخ آغاز کرد. در چهره همه ستم‌دیدگان — که بعدها در تاریخ اسلام بسیار شدند — هاله‌ای از فاطمه پیدا بود. غصب شدگان، پایمال شدگان و همه قربانیان زور و فریب، نام فاطمه را شعار خویش داشتند. یاد فاطمه، با





روزگار غریبی است دخترم! دنیا از آن غریب‌تر!  
این چه دنیایی است که دختر رسول خدا را در خویش تاب نمی آورد؟  
این چه روزگاری است که «راز آفرینش زن» را در خود تحمل نمی کند؟  
این چه عالمی است که دُرَدانه خدا را از خویش می راند؟  
روزگار غریبی است دخترم. دنیا از آن غریب‌تر.

آنجا جای تو نیست، دنیا هرگز جای تو نبوده است. بیا دخترم، بیا، تو از آغاز هم دنیایی نبودی. تو از بهشت آمده بودی، تو از بهشت آمده بودی...  
آن روزها که مرا در حرا با خدا خلوتی دوست داشتی بود، جبرئیل؛ این قاصد میان عاشق و معشوق، این رابط میان عابد و معبود، این مُلک خوب و پاک و صمیمی، این امین رازهای من و پیامهای خداوند، پیام آورد که معبود، چهل شبانه روز تو را میخواند، یک خلوت مدام چهل روزه از تو می طلبد...

و من که جان می سپردم به پیامهای الهی و آتش اشتیاقم زبانه می کشید با دم خداوندی، انگار خدا با همه بزرگی اش از آن من شده باشد، بال در آورد و جانم را در التهاب آن پیام عاشقانه گذاختم.

آری، جز خدا و جبرئیل و شوی تو کسی چه می دانست حرا یعنی چه، کسی چه می داند خلوت با خدا یعنی چه؟

اما... اما کسی بود در این دنیا که بسیار دوستش می داشتم، خدا همیشه دوستش بدارد، دل نازکش را نمی توانستم نگران و آزرده خویش ببینم. همان که در وقت بی پناهی پناهم شد و در وقت تنگدستی، گشایشم و در سرمای سوزنده تکذیب دشمنان، تن پوش تصدیقم؛ مادرت خدیجه.

خدا هم نمی خواست او را دل نگران و مشوّش ببیند.

در آن پیام شیرین، در آن دعوت زلال آمده بود که این چهل روز مفارقت از خدیجه را برایش پیغام کنم.

و کردم. عمار، آن صاحبی وفادار را گسیل کردم:

«جان من! خدیجه! دوری‌ام از تو، نه بواسطه کراهت و عداوت و اندوه است. خدا تو را دوست دارد و من نیز. خدا هر روز، بارها و بارها، تو را به رخ ملائکه خویش می کشد، به تو مباحثات میکند و... من نیز.

ایین دیدار چهل روزه من با آفریدگار و... ضمناً فراق تو، هم فرمان اوست. این چهل شبانه‌روز را تاب بیاور، آرام و قرار داشته باش و در خانه را به روی هیچکس ننگشای.

من چهل افطار در خانه فاطمه بنت اسد می گشایم تا وعده الهی سرآید و دیدار تازه گردد.»  
پیام که به مادرت خدیجه رسید، اشک در چشم هایش حلقه زد و آن حلقه بر در چشم ها ماند تا من در شام چهلیم، حلقه از در برداشتن و وقتی صدای دلنشین خدیجه از پشت پنجره انتظار برآمد که:

— کیست کوبنده دری که جز محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) شایسته کوفتن آن نیست؟

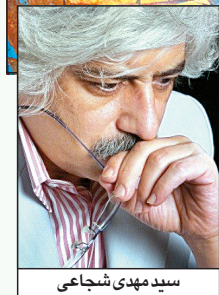
گفتم:

— محمدم.  
دخترم! شادی و شغفی که از این دیدار در دل مادرت پدید آمد، در چشم هایش درخششی آشکار می گرفت. افطار آن شب از بهشت برایم به ارمغان آمده بود، طرف های غروب، جبرئیل، آن ملک نازنین خداوند، با طبقی در دست، آمد و کنارم نشست. سلام حیات آفرین خدا را به من رساند و گفت که افطار این آخرین روز دیدار را، محبوب - جل و علا - از بهشت برایت هدیه کرده است.

در پی او میکائیل و اسرافیل هم آمدند - خدا ارج و قربشان را افزون کند - جبرئیل با ظرفی که از بهشت آورده بود، آب بر دست هایم

می ریخت، میکائیل شستشوی شان می داد و اسرافیل با حوله لطیفی که از بهشت همراهش کرده بودند، آب از دست هایم می سترد.  
خدا هم نمی خواست او را دل نگران و مشوّش ببیند.  
ببین دخترم! - جان پدر به فدایت - که همه مقدمات ولادت تو قدم به قدم از بهشت تکوین می یافت.  
این را هم باز بگویم که تو اولین کسی هستی

## کشتی پهلوان گرفته



سید مهدی شجاعی

راستی!  
به اسماء بگو:  
آن کافور که از  
بهشت برایم آمده  
بود و ثلث آن را  
خود به هنگام  
وفات خویش به

کار گرفتم و دو ثلث دیگر آن را برای تو و علی گذاشتم، بیاورد.

به آن کافور بهشتی حنوط کن دخترم که ولادت تو بهشتی است و وفات تو نیز بهشتی است. سلام بر تو آن روز که زاده شدی، سلام بر تو آن دو روز که زیستی، سلام بر تو اکنون که می آئی و سلام بر تو آن روز که برانگیخته می شوی.

وقتی رسول محبوب من به خانه درآمد، انگار خورشید پس از چهل شام تیره، چهل شام بی روزن، چهل شام بی صبح از بام خانه طلوع کرده باشد، دلم روشنی گرفت و من روشنی را زمانی با تمام وجود، با تک تک رگها و شریان‌هایم احساس کردم که نور حضور تو را در درون خویش یافتم.

آن حالات، حالاتی نبود که حتی تصور و خیالش هم از کنار ذهن و دل من عبور کرده باشد. کودکی در رحم مادر خویش با او سخن بگویدی؟ کودکی در رحم مادر خویش خداوند را تسبیح و تقدیس کنی؟ من شنیده بودم که عیسی - بر شوی من و او درود - در گهواره سخن گفته بود و وجدانیت خدا و نبوت خویش را از مأذنه گهواره فریاد کرده بود... و این همیشه برترین معجزه در اندیشه من بود، اما من چگونه می توانستم باور کنم که کودکی در رحم مادر خویش با او به گفتگو بنشیند، او را دلداری دهد و پیامبری پدرش را شاهد و گواه باشد؟

و من چگونه می توانستم تاب بیاورم که آن کودک، کودک من باشد و آن مخاطب، من باشم؟ چگونه می توانستم این شادی را در پوست تن خویش بگنجانم؟ چگونه می توانستم این شغف را در درون دل خویش پنهان کنم؟ چگونه می توانستم این عظمت را در خود حمل کنم؟  
شاید آن چند ماه حضور تو در وجود من،

شیرین ترین لحظات زندگی ام بود. شب و روز گوش دلم در کمین بود که کی آوای روحبخش تو در سرسرای وجودم پیچد و کی کلام زلال تو بر دل عطشناک من جاری شود.  
نفهمیدم آن چند ماه شیرین چگونه گذشت و درد زادن کی به سراغم آمد، اما همان هراس که از درد زادن بر دل مادران جنگ می اندازد، دست استمداد مرا به سوی زنان مکه دراز کرد. زنان قریش و بنی هاشم همه روی بر گرداندند و دست امید مرا در خلأ یأس وا گذاشتند.

«مگر نگفتم با یتیم ابوطالب ازدواج نکن؟ مگر نگفتم تو را خواستگاران ثروتمند بسپارند؟ مگر نگفتم حرمت اشرافیت را مشکن، ابهت قریش را خدشه دار کن؟ مگر نگفتم ثروت چشمگیرت را با فقر محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) درنیمیز؟... کردی؟ حالا برو و پاداش آن سرپیچی ات را بگیر. برو و کودکت را به دست قابله انزوا بسپار...»

غمگین شدم، اما به آنها چه می توانستم بگویم؟ آن زنان ظلمانی چه میدانستند نور نبوی چیست؟ چه می فهمیدند ازدواج احمدی چگونه است؟ چگونه می توانستند بدانند خلق محمدی چه می کند؟ از کجا می توانستند دریابند که خوی مهدوی چه عظمتی است.

آن زنان زمینی، شوی آسمانی چه می فهمیدند چیست؟

به خانه بازگشتم، با درد زایمان رفتم و با دو درد زایمان و تنهایی بازگشتم.

آب، اما در دل پیامبر تکان نمی خورد که او دو دست در آسمان داشت و دو پای در زمین. هر چه من بی قرار بودم، او قرار و آرامش داشت. هر چه من بی تاب تر می نمودم، او به من سکینه بیشتری می بخشید.

ناگهان دیدم که در باز شد و چهار زن بلند بالا و گندمگون که روحانیتشان بر زیبایی شان می افزود، داخل شدند.

یکی شان به سخن درآمد که:

— ترس خدیجه! ما رسولان پروردگار توایم و خواهران تو.

آنگاه که من قدری قرار و آرام گرفتم گفت:

— من ساره ام همسر ابراهیم، پیامبر و خلیل خدا.

آن دیگری که دلنشین سخن می گفت و تبسمی شیرین بر لب داشت گفت:

— من مریم دختر عمران، مادر عیسی پیامبر و روح خدا.

آن سومی که نگاهی مهربان و محجوب داشت، به سخن درآمد که:

— من آسیه ام، دختر مُراحِم. همسر فرعون که به موسی مؤمن شدم.

و دریافتیم که چهارمین زن که صلابتی کم نظیر داشت کلثوم، خواهر موسی است، پیامبر و کلیم خدا.

گفتند: خداوند ما را فرستاده است تا یاری ات کنیم؛ در این حال که هر زنی به زنان دیگر محتاج است. سپس ساره در سمت راستم نشست، مریم در طرف چپم، آسیه در پیش رویم و کلثوم پشت سرم.

من آنجا - نه خودم - که مقام و قرب تو را در نرسد خداوند بیش از پیش دریافتم و با خودم گفتم:

— بین خدا چقدر این فرزند را دوست می دارد که قابله هایش را گلهای سرسبد عالم زنان انتخاب کرده است.

تو را نه بدان سان که مادران، حمل خویش می گذارند بلکه بدان فراغت که مادری کودکش را از آغوش خود به آغوش مادری دیگر می سپارد، به دست آن چهار عزیز سپردم.

... و تو پاک و پاکیزه، قدم بدین جهان گذاردی، طاهره مطهره! و مکه از ظهور تو روشن شد و جهان از نور حضور تو تاللو گرفت...

\* با اندکی تلخیص



بیت قرار بگیرند، نه شعرها و نوحه‌هایی که محصول خواب و خیال و خرافه‌اند و آلوده به انواع و اقسام مطالب غیرمستند، و سرشار از کژتابی‌های اعتقادی و مضمونی.

#### ضلع سوم: مخاطب

از دیگر معضلات شعر فاطمی آئینی این است که مخاطبان و کسانی که در جلسات شعر آئینی شرکت می‌کنند، «پذیرنده صرف» هستند و حضوری خاموش و منفعلانه دارند. به این معنا که در این جلسات هر چه بشنوند، به اعتبار این که آن حرف از زبان یک شاعر یا مداح آئینی گفته شده است، بی‌درنگ می‌پذیرند و در درستی یا نادرستی آن تحقیق نمی‌کنند. در حالی که خداوند در قرآن کریم در بیش از سیصد آیه امر به تفکر، تعقل، و تدبّر کرده است. بسیار دیده شده که در این جلسات شعری قرائت شده که محتوا و مضمون آن با آموزه‌های دینی در تضاد و تقابل بوده است، ولی متأسفانه جمعیت حاضر کمترین واکنشی نسبت به آن شعر و شاعر نشان نداده و صرفاً با ضرباهنگ شعر یا نوحه قرائت شده بر سر و سینه زده و گریه کرده اند.

معمولاً مخاطبین جلسات شعرخوانی و مداحی دو گروه هستند. گروه اول، اهل شعر و ادبیات اند، و صرفاً به زیبایی‌های صوری شعر و قدرت صنعتگری شاعر در به کارگیری صنایع لفظی و معنوی توجه می‌کنند، ولی نسبت به این مسئله که پشت این ظاهر زیبا چه باطنی پنهان است، کاملاً بی‌توجه‌اند. برای این گروه محتوا و پیام شعر و انطباق آن با معارف دینی و مستند یا غیر مستند بودن حرفی که در متن و بطن شعر شاعر پنهان شده است، چندان مهم نیست. چرا که این گروه فقط به دنبال «التذاذ هنری» هستند.

گروه دوم از مخاطبین این جلسات کسانی هستند که در منزل محبت اهل بیت (علیهم السلام) اردو زده اند و تلاش شایسته‌ای برای راه بردن به منزل «معرفت» نمی‌کنند. این گروه معمولاً برای توسل و شفاعت و کارگشایی در این مجالس حاضر می‌شوند و اصلاً کاری به کار شعر و شاعر و مداح ندارند. این افراد نسبت به هر گونه نغمه حزن انگیزی شرطی شده اند و کافی ست لحن حزن انگیز شاعر و مداح را بشنوند تا بی اختیار اشک بریزند. صد البته حضور صرف در مجالس عزاداری و گریستن بر مصائب اهل بیت نیز در جای خود ارزشمند و قابل ستایش است. ولی اگر این حضور هوشمندانه و برای آموختن حکمت و عبرتی باشد، اجر و ثواب چنین حضوری چندین برابر خواهد شد. ولی چون هدف اصلی گروه دوم از شرکت در چنین مجالسی صرفاً عزاداری است، توجه شایسته‌ای به محتوا و مضمون شعر یا نوحه‌ای که در مجلس خوانده می‌شود ندارند. حضور این مخاطبین در مجالس شعرخوانی و مداحی باعث می‌شود که شاعر و مداح مجلس نیز نهایت تلاش خود را برای عرضه شعر و مرثیه‌ای که مطابق ذوق و ذائقه آنهاست به کار گیرد. به این شعرها و مرثیه‌ها - اصطلاحاً - شعرهای مجلس گرم کن می‌گویند. شعرها و مرثیه‌های جانگدازی که تحسین و آفرین خضار را به همراه دارد و سبیل اشک را از دیده‌ها جاری می‌سازد، بی آن که چیزی بر بصیرت دینی آنان بیافزاید. تشویق‌ها و آفرین گفتن‌های حاضران در نهایت شاعر و مداح را جسورتر و بی پروا تر می‌کند و در جلسات بعدی نیز همین روند و جریان تکرار و تبدیل به عرف و عادت می‌شود.

بدون تردید یکی از اضلاع غیر قابل انکار شعر آئینی و مداحی «سوغ» و مرثیه است که باید به آن جهت داده شود تا گریانان و سوگ هدف اصلی نباشد. بلکه هدف، بیان توحید، حکمت، اخلاق، و معارف دینی و الهی باشد تا شعر در مسیر انسان‌سازی و تعالی روحی حرکت کند و مداحی و مرثیه نیز مکمل آن باشد. جامعه ما جامعه‌ای است که از عواطف دینی سرشار است، به طوری که تنها کافیت نام مبارک حضرت اباعبدالله(ع) و یا فاطمه زهرا(س) برده شود تا اشک از دیده‌ها جاری شود. ولی شاعران و ذاکران اهل بیت نباید از این نکته غفلت کنند که نالدین بر مصائب اهل بیت(علیهم السلام) باید باعث رشد، قد کشیدن و بالیدن شود، نه ایستایی و خمودگی و رخوت. چرا که بیان مصائب اهل بیت از منظر حق خواهی و ظلم ستیزی ارزشمند و سازنده است. متأسفانه در شعر فاطمی از آنجا که وجه غالب با «سوغ» و مرثیه است، شاهد پرداختن بیش از حد به مباحثی مانند بیت الاحزان، فداک، دیوار و در ... هستیم. در حالی که ابعاد مغفول مانده فراوانی در زندگی پسر برکت حضرت زهرا(س) وجود دارد که هنوز به آن‌ها پرداخته نشده است. ویژگی‌های ناگفته‌ای که در آئینه آن‌ها می‌توان سیمای حضرت زهرا را به عنوان یک اسوه و الگو برای نسل امروز به تماشا گذاشت.

با توجه به افت‌ها و آسیب‌هایی که جان و جهان شعر آئینی و فاطمی ما را تهدید می‌کند، این گونه ادبی - دینی برای رسیدن به قاف کمال خود، بی هیچ تردیدی نیاز به پالایش و پیرایش محتوایی و مضمونی دارد. لازمه تحقق این مهم قبل از هر چیز تربیت نسلی از مخاطبان هوشمند و مواخذه گر است که وقتی از زبان یک شاعر یا مداح در هیئت شعر یا نوحه غلطی را می‌شنوند که مضمون آن در تقابل و تعارض با آموزه‌های اصیل وحیانی و قرآنی و سنت و سیره بزرگان دین است، یقه او را بگیرند و بگویند سسند این حرفی که زدی کجاست؟ ...

\* با اندکی تلخیص



## تأملی در اضلاع سه گانه «شعر فاطمی»



رضا اسماعیلی

خواسته اید فقط و فقط به دنبال جلب رضایت مشتری عام هستند. به این معنا که مداح، امروز دنبال کسی می‌گردد که متاع اش را بر او عرضه کند و او به قیمت خوب خریدارش باشد. در این داد و ستد صد در صد خواست مشتری مهم است. این که او چه می‌خواهد و چه می‌پسندد؟ بنابراین مداح نیز برای این که تلاشش بی مزد نماند، کالایی را عرضه می‌کند که مشتری پسند است، و از این

جاست که برای ایجاد «شور» در مجالس عزاداری و رضایت خاطر مخاطب عام، پای روایت‌های غیرمستند و خواب و خیال و خرافه به شعر آئینی باز می‌شود و... تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل!

امروز شوربختانه در حوزه تولید شعر دینی و آئینی شاهد چرخه وارونه و معیوبی هستیم. به این معنا که شاعران در عرصه خلق و آفرینش ادبی در برابر مداحان، و مداحان در برابر مخاطبان دچار انفعال شده اند. یعنی به جای آن که شاعر با معرفی شعر خوب و فاخر ذوق مداح را بالا ببرد، مداح با سفارش شعر نازل ذوق و سلیقه شاعر را پایین می‌آورد! به جای آن که مداح برای گرفتن شعر خوب به شاعر مراجعه کند، شاعر به سفارش مداح شعر کوچه - بازاری می‌گوید تا شعرش توسط مداح خوانده شود! و این یعنی چرخه معیوب.

متأسفانه بسیاری از ما فراموش کرده‌ایم که خواهان و مشتری اصلی شعر آئینی خدا و خاندان رسالت اند و پیش و

بیش از هر کسی تأیید و رضایت آنان باید مدنظر شاعر و مداح باشد. وقتی مشتری خداست، چشم داشتن به پسند دیگران و صله خواستن از غیر خدا کار مقبولی نیست. اگر مداح اهل بیت از منزل «خودبینی» بیرون بزند و با خلوص نیت در این راه گام برسد، و هدفش تبلیغ و ترویج معارف توحیدی و تربیت و تزکیه باشد، به یقین صله خود را از حضرت کریم و سلسله کرامت دریافت خواهد کرد، چنان که حضرت لسان الغیب حافظ شیرازی می‌فرماید:

تو بندگی چو گدایان به شرط مزد مکن

که خواجه خود روش بنده پروری داند

آری، اگر مداح اهل بیت(ع) به دنبال رستگاری و عاقبت به

خیری دنیوی و اخروی است - بی هیچ عذر و بهانه‌ای - باید

به ادب و آداب ستایشگری اهل بیت(علیهم السلام) مقید و پایبند

باشد، وگرنه «خسر الدنیا والأخره» خواهد شد. یقیناً تأیید روح

القدس شامل هر نوحه و مرثیه‌ای - با هر مضمونی - که -

برای خاندان رسالت خوانده شود، نمی‌شود. این تأیید مشروط

به قرار گرفتن مداح و ذاکر آل الله در مدار توحید و یکتاپرستی،

حق طلبی، آزادگی، ظلم ستیزی و عدالت خواهی است. با استناد

به آیات و روایات قرآنی، بدیهی است تنها شعرها، نوحه‌ها و

مرثیه‌هایی که برخوردار از شاخصه‌های مورد اشاره در سوره

شعراء باشند می‌توانند در دایره الهام روح القدس و تأیید اهل

شعر فاطمی همچون دیگر زیرشاخه‌های شعر دینی و آئینی، اضلاع سه گانه‌ای دارد که برای ارتقاء دایره نفوذ و تأثیرگذاری، باید با دغدغه مندی و دقت نظر علمی و دینی مورد بازشناسی پژوهشگران و پیشکسوتان این عرصه قرار گیرد. این اضلاع سه گانه عبارتند از: «شاعر، ذاکر، و مخاطب». در یادداشت پیش رو، اجمالاً به بررسی اضلاع سه گانه شعر فاطمی خواهیم پرداخت.

#### ضلع اول: شاعر

در حوزه شعر دینی و آئینی، شاعر باید جلودار و پرچمدار باشد. هم چنان که در تاریخ هزار و دویست ساله ادبیات فارسی بزرگانی چون فردوسی، ناصرخسرو، سنایی، عطار، مولوی، سعدی، حافظ، اقبال، و ... همواره در این عرصه طلایه دار و پیشتاز بوده اند. اما با کمال تأسف باید گفت که نسلی از شاعران امروز به دلایل عدیده که از مهم ترین آنها سودای نام و نان است مرجعیت ادبی خود را از دست داده‌اند و جایگاه و پایگاه ادبی گذشته را ندارند. علت این امر همچنان که اشاره شد وسوسه مقاومت ناپذیر «شهرت» است که آنان را از اصالت و رسالت انسانی و اجتماعی خود دور کرده و به «لایک»های کاربران فضای مجازی دلخوش! این گروه از شاعران فقط و فقط به «آنچه شما خواسته اید» می‌اندیشند و پیش و بیش از آن که به دنبال «خلوت» شاعرانه و مطالعه و پژوهش برای ارتقای دانش و بینش ادبی و دینی خود باشند، سر در وسوسه دنیای مجازی دارند و اشتیاق زبان بازی و واژه سازی!

آری، سبک زندگی کاریکاتوری، شاعران را از خلوت شاعرانه و مطالعه برای تولید شعر فاخر بازداشته است. دیگر این که در عصر حاضر - به خاطر کثرت برگزاری همایش‌ها و جشنواره‌های رنگارنگ ادبی - بسیاری از شاعران دائم السفرند و مدام در حال آمد و شد از این استان به آن استان. شاعرانی که به شاعران جشنواره‌ای معروفند و برای حفظ موقعیت طلایی خود - بی هیچ مطالعه و خلوتی - شعرهای «فست فودی» و جشنواره‌ای می‌سازند. شعرهایی که تاریخ تولید و انقضا دارند و به اقتضای هر مناسبتی به ناگزیر دچار بازنویسی و دگردیسی می‌شوند!

متأسفانه امروز بعضی از شاعران جوان، با وجود پیشرفت‌های قابل توجه در حوزه ساختار، فرم، فنون صنعتگری و سخنوری، و برخورداری از توانمندی‌های قابل ستایش در سرایش اشعار منسجم و محکم با زبانی استوار و فاخر (چگونه گفتن)، در ساحت مضمون، محتوا و معنا (چه گفتن) دست‌شان خالی‌ست و حرف قابل تأملی برای گفتن ندارند، و این یعنی «انقراض نسل شاعران حکیم». به همین خاطر پاره‌ای از شعرهای آئینی امروز - بی‌هیچ موضعی - در منزل «صورت» متوقف مانده‌اند و از کژتابی‌های مضمونی و اعتقادی شدیداً رنج می‌برند. این شعرها اکثراً لهجه‌ای توصیفی و احساسی دارند و در حصار مدح و منقبت و سوگ و مرثیه گرفتارند. بیش‌تر این شعرها دچار فقر اندیشه‌اند، به همین خاطر جز برانگیختن هیجانات زودگذر و «تحریک احساسات»، تکانه و لرزه دیگری در جان و جهان مخاطب ایجاد نمی‌کنند. تکانه‌ای که منبث از معرفت باشد، به اندیشه مخاطب تلنگر بزند و باعث «نگریستن» شود. بسامد چنین آسیبی به دلیل نگاه صرفاً مصرفی و صورتی این گروه از شاعران به حوزه شعر آئینی است. آنان مدح و منقبت را برای مصرف در جلسات ولادت بزرگان دینی و مرثیه‌ها را برای جلسات مرثیه‌خوانی می‌گویند و بر این تصورند که اگر موضوعات عمیق تری را دستمایه سرایش اشعار خود قرار دهند، شعرشان از سکه خواهد افتاد.

در گذشته اما شاعرانی که پیشانی نوشت اکثرشان «حکیم» بوده است، سلوکی عالمانه و متفکرانه داشته اند. با تأملی اجمالی در زندگی بزرگان ادب پارسی به خوبی در می‌یابیم که آنان علاوه بر شعر و ادب، علم به علوم زمانه خویش بوده اند. علومی همچون: فلسفه، حکمت، فقه، جامعه شناسی، مردم شناسی و... این تسلط به علوم زمانه باعث غنا و قوت، همچنین صلابت و سلامت مضمونی و اندیشگی شعرشان می‌شد. یعنی شعرشان علاوه بر بیان احساس، از گوهر و جوهر عقلانیت و اندیشه نیز سرشار بود. آنان در شعرشان رویکردی معرفت شناسانه، تعلیمی و اخلاقی داشتند. از همین روی، هنگام سخن گفتن از بزرگان دین، سعی شان بر این بود که از سیمای کرامات و فضایل معنوی و انسانی این ذوات مقدس پرده برداری کنند، و سیره علمی و عملی خاندان رسالت را در آئینه شعر به تماشا بگذارند.

#### ضلع دوم: مداح و ذاکر

ضلع دوم شعر آئینی و فاطمی «مداح» یا «ذاکر» اهل بیت است که به خاطر نفوذ و دایره تأثیرگذاری گسترده در لایه‌های مختلف اجتماعی، در هدایت یا انحراف جریان شعر آئینی نقش غیرقابل انکاری دارد. یکی از دلایل دور افتادن شعر آئینی و فاطمی - بخصوص شعر هیئت - از اصالت و رسالت دینی، افراط جامعه مداحان و ذاکران اهل بیت در توجه به خواست مشتری عام (نه خاص) است. مشتری عام شعر آئینی فقط با «گریستن» ارضا می‌شود. اما مشتری خاص، از منزل گریستن می‌خواهد معبری به ملکوت «نگریستن» باز کند و حقیقت دین را دریابد. اما بعضی از مداحان هیئت با شعار «آنچه شما



چهل سال پیش در همین روز  
تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات  
روزهای ۱۸، ۲۱ و ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ نقل شده است

## ژنرال‌های مهم ارتش تهدید می‌کنند

راديو لندن: در مقرر مهندس بازرگان ترس  
ندای وجود دارد که بعضی از فرماندهان نظامی  
مالا از برنامه‌های آنها در مورد یک دولت موقت  
و اندام مربوط به قانون اساسی جدید جمهوری  
آینده نزدیک جلوگیری بعمل آورند.  
گفته میشود مهندس مهدی بازرگان با افسران  
مشغول بخدمت در تماس بوده است گرچه  
مید قهر باغی رئیس ستاد ارتش متقاعد شده که  
های مسلح نباید دخالتی بکنند، لیکن ژنرال‌های  
دیگر تهدید کرده‌اند مشکلاتی ایجاد خواهند  
کرد نتیجه همین امر انتظار می‌رود که بازرگان در  
م کابینه‌ای و ری مسئول تشکیل آن شده است  
ستگی عمل کند.

**ژنرال هوپرز از ایران رفت**  
واشنگتن - خبرگزاری ها - مقامهای وزارت آمریکا فاش کردند که ژنرال هوپرز خاک را ترک گفته است به اظهار منابع آمریکائی موریت داشت در طول اقامت خود در ایران ندهان ارتش را از دست زدن به کودتا باز دارد به این مقام ها هوپرز ماموریت خود را با موفقیت به پایان رسانده و پس از بازگشت به آمریکا می کاتر و سایر رهبران دولت آمریکا را در این اقدام هوپرز خود قرار داده و سپس به اروپا شته است. وی معاون فرمانده نیروهای آمریکا و پاست نگفته بعضی مقامات علت ترک ایران یله هوپرز آن بود که اقامت وی به احساسات آمریکائی در ایران دامن می زند.

مسکو-خبرگزاری فرانسه مطبوعات شوروی از انصاف مهدی بازرگان را از جانب آیت الله مبنی به نخست وزیری دولت موقت مورد تأیید دادند. پراودا ارگان حزب کمونیست شوروی ت: دولت شاپور بختیار که هوادار شاه است ط سیاسی و اقتصادی خود را بر ایران و زندگی

امروز در تاریخ

**انتشار پول کاغذی در ایران**  
هفتم فوریه ۱۲۹۴ و دوران حکومت گیکخاتو خان -ایلخان- و حکمران وقت ایران، کشور مابمانند چین دارای پول شد که «چا» نام داشت. حکام مغولی چین از دو دهه پول کاغذی در آن کشور رایج کرده بودند. با صدور یک برلیغ (فرمان حکومتی) گیکخاتو خان، کاغذ کاغذی به نام «چا» در تبریز و در محلی به نام «آغاز خدی» آغاز شد که چهار ماه بعد در سراسر قلمرو این خانه -سکه های طلا و نقره را گرفت و پول رایج شد.

## ایران دارای قانون مطبوعات شد

**بهمن ۱۳۳۲** دکتر هالمار شاخت اقتصاد دان آلمانی برای بار دوم سه دهه به ایران دعوت شد تا برای حل اقتصادی این کشور و پیشرفت، راه حل بدهد و این بار با هدف دادن نظر درباره چاپ اسکناس تازه و اصطلاحات گوناگون، چرا در ایران این همه به دکتر شاخت توجه می‌شد؟  
این که از همان نخستین سفر او به ایران، روزنامه واسوسه کرده بودند که او به دلایل زیادی دوستاندار تاریخ ایران راست ایرانیان و یک کارشناس اقتصادی بی چون و اشت.

**کمدی – درام نویسنده قرن ۱۸ فرانسه**

امروز روز زاد «پیر ماریو کمدی» درام نویس قرن ۱۸ فرانسه است که در ۱۶۸۸ به دنیا آمد. در ۱۷۶۱ درگذشت از وی ۳۵۰ نمایشنامه باقی ماند که ستر آنها به زبان های دیگر ترجمه شده اند و بعضی از آنها به زبان فارسی ترجمه شده اند. «عشق و انیس» (ماریان) و «بی گیری مضاعف» از نوشته های او است.

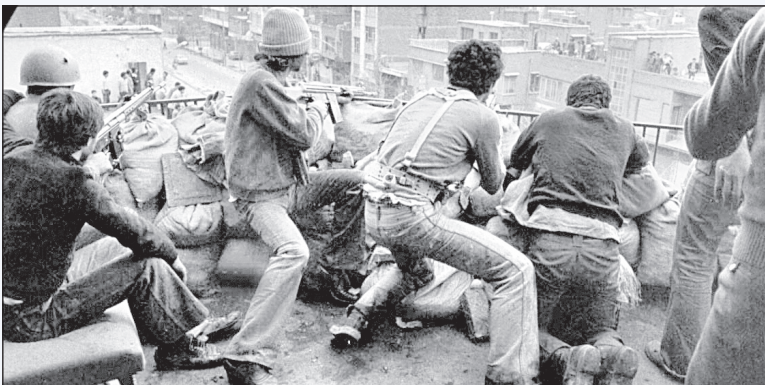
<http://www.thelibrarypk.com>

www.iranianshistoryonthisday.com

مردم ایران از دست داده است. پرودا همچنین نوشته است که آیت الله خمینی که از حمایت اکثریت عظیمی از مردم ایران بهره‌مند است، خواستار تقویت استقلال ملی ایران و محو نفوذ سیاسی و اقتصادی و نظامی آمریکا در ایران است.

**شاه: من از انتقادبری نیستم**

لندن - خبرگزاری فرانسه - شاه ایران ضمن مصاحبه‌ای که در شماره امروز «دیلی میل» چاپ لندن انتشار یافته تاکید کرده است که هنوز پادشاه و فرمانده ارتش ایران است. شاه اضافه کرده است:



اگر ما دست خود را دراز کنیم و مذاکره با جناح  
چپ و راست را بپذیریم همه چیز امکان پذیر است  
و در این صورت آنچه که من از سال ۱۹۴۱ به بعد  
انجام داده‌ام بیهوده نخواهد بود. شاه در این مصاحبه  
معنی کلمه «اما» را به درستی روشن نکرده است.  
شاه در پایان گفته است شک نیست که خود من  
نیز از انتقاد بری نیستم، اما چه کسی باور می کند  
من که ۲۷ سال روزانه ده ساعت برای کشورم کار  
کردم این کشور را به نقطه‌ای که آغاز کرده بودم  
بازگردانم.

**موافقت با دولت باز رگان تکلیف شرعی است**  
امام خمینی عصر پنجشنبه بعد از پایان راهپیمایی بزرگ تهران و شهرستان‌ها خطاب به ملت ایران پیام زیر را داد: ... من اعلام می‌کنم که موافقت کردن با این دولتی که ما فراموش کرده‌ایم، تکلیف شرعی همه

است، و مخالفت کردن بر همه مجرم است.  
**ز دو خور در اجتماع دیر و دو اداران قانون اساسی**  
 روز گذشته اجتماعی با شرکت «طرفداران قانون اساسی» در استادایم امجدیه تشکیل شد.  
 این اجتماع دعوت «جبهه و وحدت ملی» از ساعت نه و نیم صبح روز جمعه بمظور تأیید دولت دکتر شاپور بختیار و طرفداری از قانون اساسی تشکیل یافت. شرکت کنندگان که تعداد آنها بیش از سه هزار نفر تخمین زده شد در زمین چمن استادایم و سبکهای امجدیه اجتماع کردند و شعارهایی در

تایید بختیار و طرفداری از قانون اساسی دادند.  
از ساعت ۹ صبح چندین هزار نفر از مخالفان  
این اجتماع در اطراف امجدیه اجتماع کردند و  
هنگامی که شرکت‌کنندگان در اجتماع امجدیه  
به خیابان روزولت و خیابانهای شمالی و جنوبی  
امجدیه و بهار رسیدند میان دو دسته درگیری ایجاد  
شد و کار به خشونت کشید و در زدو خورد عده‌ای  
محر و کشته شدند.

**بختیار: وزیران کابینه موقت را باز داشت میکنم**  
پاریس - خبرگزاری ها - شاپور بختیار نخست وزیر ایران در مصاحبه با روزنامه لوموند گفت هر یک از اعضای دولت موقت آیت الله خمینی که بکوشد وارد وزارتخانه ها شود بدستور وی باز داشت خواهد شد. دکتر بختیار که به سبیل شاه پیش از خروج وی از ایران انتخاب شد گفت دستور داده است که در پایان ماه جاری به اعضایی که حق

پیداخت نشود.

### نبردهای خونین بین واحدها

شب گذشته ناگهان شهر تهران حالت عادی خود را از دست داد و اضطراب و نگرانی بر ساکنان پایتخت حکمفرما شد. حدود ساعت ۹ شب ناگهان در شرق تهران تیراندازی‌های مکرر بگوش رسید و مردم از خانه‌ها بیرون ریختند و بار دیگر بانک‌الله اکبر تهران را فرا گرفت. حوادث در دو منطقه شرق تهران بوقوع پیوست. تهران، امروز چهره‌ای کاملاً غیر عادی داشته است. در پی حوادث شب گذشته و ماجراهایی که در شرق تهران گذشت، امروز نیز تظاهرات گسترده‌ای در نقاط مختلف تهران صورت گرفت.

**توران صحنه جنگ خونین مسلحانه**

تهران - دیشب صحنه یک جنگ واقعی و همه جانبه بود. از نخستین ساعات غروب تا پیکاه، لحظهای صدای شلیک گلوله و گریو رعداسای مسلسل و انفجار ناز جنگ قطع نمیشد. شهر غرق آتش و دود و خون بود. بیارستانها هر لحظه دهها زخمی جدید را پذیرا میشدند و تاصبح چشم کسی حتی برای یک لحظه آسودگی خواب را احساس نکرد. نطفه این رویداد خونین که صدها کشته و زخمی حاصل آن بود، زمانی بسته شد که اعلامیه شماره ۴۰ فرمانداری نظامی تهران که طی آن ساعت آغاز ممنوعیت رفت و آمد شبانه از ۱۲ شب تا ۴ و ۳۰ دقیقه بعد از ظهر جلو کشیده شده بود، انتشار یافت.

در ساعت سه بعد از نیمه شب که مردم و پرسنل های هوایی دوش به دوش هم به خیابان ها ریخته بودند گاردی ها از تانک بیرون آمدند. یک تانک با مواد منفجره ای که مردم پرتاب کردند منفجر شد و از کار افتاد. این تانک در زیر پل فوزه آتش گرفت و سرلشگر ریاحی و گاردی ها از تانک بیرون آمدند.

تیپ زرهی قزوین که در ساعت ۶ بعدازظهر به طرف تهران حرکت کرده بود، هنگامی که از خیابان سپه بطرف میدان توپخانه میرفت، از طرف مأمورین مستقر در فرارگاه مرکزی و میدان توپخانه مورد هجوم قرار گرفت و تیراندازی شدیدی بین دو گروه شروع شد. پس از مدتی، با دادن آشنایی تیراندازی قطع شد. غرب تهران بعدازظهر دیروز و دیشب یکپارچه شاهد تظاهرات بود. تظاهرات شبانه مردم غرب تهران هنگامی شدت گرفت که از بلند گوهای مساجد پیام حضرت آیت الله العظمی خمینی در مورد لغو حکومتهای نظامی پخش گردید.

۲۴۰۰ سودوگو

5					9	8	6	
8				1				
		9			3		1	
				3				
7		8				9		1
		6		8				
	4		7			3		
				4				7
	9	7	6					5

1	8	5	6	4	2	9	7	3
9	7	3	1	8	5	6	4	2
6	4	2	9	7	3	1	8	5
5	1	8	2	3	6	4	9	7
4	6	9	5	1	7	2	3	8
2	3	7	8	9	4	5	1	6
7	5	1	4	2	8	3	6	9
8	9	6	3	5	1	7	2	4
3	2	4	7	6	9	8	5	1

حل ۲۳۹۹

۴۹۱۳ جدول شرح در متن غلامحسین باغبان

پالایشگاه	فوق‌العاده بردبار بودن	خاص	صورت شطرنجی		مجموله	اندونزی سابق
		قیمت بازاری	استارت قدیم		پاکیزه	
یار منیره ←	←	←	←	شهری در همدان قائوس دریایی	←	←
		آماج و نشانه		ضربه سر	←	
←	عدسی	←		آخر		
طلا	←	پساوند مکان	←	کشور جسته	ه	
خاندان	←	عقايد شمردنی		←		
		←	عنکبوت سمی	←	←	
			مشقاق	↓		
صحرای مصر	←			جای آسوده	←	
جمع وزیر	←					
		بزرگوار	←	ج		
	(رمان اسماعیل فصیح)					
صفوی در صورت	↓	بندر اوکراین	ز			
وحشی	←					
زبانة آتش	←					
پرندۀ سياه	←					
م						
اسب سرکش	←					
نزد پازماهر	←					